



مرجان شیرمحمدی



گفتا علی‌آبادی

♦ مرجان شیرمحمدی  
از کتابش می‌گوید  
♦ گفتا علی‌آبادی  
ادبیات  
ارتباطات و به‌تقدیم می‌کند

۱۲ ۱۵

بلکه از روی حقیقت آنجا که این قوم اند، همه نیست توجیدند. در توجید، وجود من و تو کی ماند؟ تا به مرد و زن چه رسد! مذکر، الاولیا،

♦ بانویی از خاندان مجلسی ۱۸  
♦ تنها يك زن ۱۷



## گفت و گو با شهبان مسمی پرست نظریه های اجتماعی

نگاه تطبیقی به جامعه شناسی کلاسیک

«نظریه اجتماعی کلاسیک» عنوان کتابی از بان کرایپ استاد جامعه شناسی در دانشگاه اسکس (Essex) مطالعاتی مقایسه‌ای بر اندیشه مارکس، دورکیم، ویر و زیمل به دست می‌دهد. این کتاب، هفته گذشته با ترجمه شهبان مسمی پرست به بازار آمد. چهار دوگانگی در جامعه شناسی وجود دارد که موضوع اصلی کتاب نظریه اجتماعی کلاسیک را تشکیل می‌دهد.

۹

## از ذهن ها به سطرها

یادداشت های نگار اسکندر فر، میثو بدیعی، زیلا بنتی یعقوب، فریبا خانی، لیلا رستگار طوبی ساطعی، بنفشه سام کیس، شهبلا شرکت، شادی صدر، لیلا نصیری ها



روزه ساراماگو می‌گوید: «هنرستانگان با خلق شخصیت‌های گوناگون مدام جمعیت جهان را افزایش می‌دهند.» نگاه برخی شخصیت‌های داستانی بیشتر از آدم‌های زنده پیش رویمان به درون زندگی ما نفوذ می‌زند و به حیاتی جاودانه‌تر از انسان‌های زنده دست می‌یابند.

این شخصیت‌های داستانی اما چگونه موفق به تصرف ذهن مخاطب می‌شوند؟ نویسنده انسان روید را خلق می‌کند و با آن را در بستر روایت قرار می‌دهد تا شاید ملاقات مخاطب و شخصیت اثر به آشنایی دو انسان (مخاطب و شخصیت) منجر شود که گاه یک عمر زندگی مشترک را برای آنها به ارمان می‌آورد.

همواره در کتاب هفته به مؤلف، مترجم، ناشر و... پرداخته‌ایم، اما این بار به سراغ کسانی رفته‌ایم که می‌نویسند، برای نوشته‌ها و گفته‌های دیگران البته اگر گمان داریم یادداشت گرفتن از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران کار ساده‌ای است، باید بگوییم سخت در اشیاء هستند. ما به سراغ‌شمار بیشتری روزنامه‌نگار و خبرنگار زن رفیق و پس از پیگیری‌های چندروزه تنها موفق شدیم ده یادداشت از آنها بگیریم البته افرادی که به سؤال ما پاسخ گفتند تقریباً بهترین‌ها در میان جمیع انتظامی‌ها بودند. اما به هر حال جای خیلی‌هاست که به چشم می‌آید.

۱۰

## حرف‌های سیلاب فرجام قر جنگ و حقیقت مستور

♦ دیدار با ماه منیر کهباسی  
به بهانه کتاب مهربانم سلام  
♦ دو سوی جنگ

۳۱

## ماجرای خود شخصیت‌ها باید پیش ببرند

میتو گرم‌زاده تا کنون ۹ عنوان کتاب به چاپ رسانده است که اغلب این آثار در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان جای می‌گیرند. «یک صبح پاییزی»، «الندوه شیرین» و «بلیط آخر» که از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در مجموعه «آسیا و الباتوبسه» در زاین هم ترجمه و منتشر شده است «نگاهی رو به دریا» (انتشارات سروش) داستان بلند برای نوجوانان، فیلمنامه «زن دوم» که طرح آن از فرشته طائرپور بود (نشر روزنه) و... و چند داستان هم در مجموعه‌هایی که دیگران گردآوری کرده‌اند به چاپ سیرده است. آخرین اثر میتو گرم‌زاده «کوجه فرنگی‌های سبز» است. در باره نوشتن، داستان نویسی و شخصیت‌های داستانی با او به گفت و گو نشسته‌ایم.

۱۵

## از اولین شعر تا مادرانه‌ها

گفت و گو با دکتر فاطمه راکعی، شاعر

دکتر فاطمه راکعی در کنار فعالیت‌های ادبی در عرصه سیاسی - اجتماعی نیز در این سال‌ها فعال بوده است. وی در حال حاضر رئیس هیئت مدیره دفتر نشر جوان و مدیر عامل انجمن شاعران ایران است. همچنین در عرصه سیاسی - اجتماعی در حال حاضر به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حضور دارد. از این نماینده مجلس شورای اسلامی و شاعر، اخیراً کتاب شعر تازه‌ای با عنوان «مادرانه‌ها» منتشر شده است.

۱۹

## از پنج نقطه ایران

♦ گفت و گو های کتاب هفته با زنان ناشر  
در نیشابور، زابل، اصفهان، تبریز و اهواز

۵

### ما باید آگاه باشیم

♦ دانش آموز سال های دور  
این هفته پای خاطرات فهیمه راستگار

۱۳



### از پنج نقطه ایران

♦ گفت و گو های کتاب هفته با زنان ناشر  
در نیشابور، زابل، اصفهان، تبریز و اهواز

۵





گفت و گو با آیت الله رضا استادی

## فهرست نگاری و نقد کتاب

آیت‌الله رضا استادی هراتی از کاتبان و نسخه‌شناسان برجسته امروز ایران، در سال ۱۳۶۶ خورشیدی در سرچشمه تهران دیده به جهان گشود. در تهران و قم تحصیل کرد و به درجه اجتهاد رسید. چهار دهه از عمر بزرگ و پرباران با تحقیق و تألیف و تدریس سپری شده و اکنون صاحب ۲۰ اثر پژوهشی مستقل است. افزون بر آن تاکنون ۲۷ اثر نیز به کوشش وی به چاپ رسیده و ۱۱ مجموعه هم تحت انشراح و نظارت او انتشار یافته است. کیهان فرهنگی در شماره اخیر خود (شماره ۲۰۲، مرداد ۱۳۸۲) گفت‌وگویی با آیت‌الله رضا استادی به چاپ رسانده است که پاره‌ای از آن را در پی می‌خوانید.



زنجانی تهیه کردم و همین‌طور فهرست‌های دیگر... آماری گرفته‌اید که از آغاز فهرست‌نویسی تا به حال چند جلد کتاب را فهرست کرده‌اید؟ در یک فاصله زمانی که سال‌ها طول کشید، حدود ده هزار نسخه خطی را در دروازه جلد کتاب فهرست کردم که همه چاپ شده است.

**دلیل روگردان شما به فهرست‌نویسی و معرفی این حجم عظیم از کار چه چیزی بوده است؟** من جای دیگری هم گفته‌ام، زمانی دلم می‌خواست راجع به این طایروسی کاری پژوهشی انجام بدهم و به همین دلیل دنبال کتاب «فراشده» اثر ابن طایروس می‌گشتم. به کتابخانه مدرسه قضیه رفتم، تصدیق کنجاخانه اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: خودتان جست‌وجو کنید. شاید پیدا کنید. مجدداً به مسؤل آنجا مراجعه کردم. با تعجب دیدم که «فراشده» در میان کتاب‌های پشت سر ایشان بود! خیلی متأسف شدم که چرا کتاب‌ها باید اینقدر آشفته و در هم باشند که تصدیق کنجاخانه از کتاب پشت سر خودش بی‌خبر باشد؟! بالاخره کسی را واسطه کردم، رفت و به آنها پیشنهاد کرد که بنده بروم کتاب‌های آنجا را فهرست کنم و خود کنجاخانه پاسخ دهند و من با زحمت زیاد تمام کتاب‌های آنجا را فهرست کردم. برای این کار مرود تشویق قرار گرفتم. این طوری شد که دیدم کار خوبی است و ادامه دادم. دیگران هم وقتی فهمیدند که بنده این کاره هستم، کارهای دیگری را پیشنهاد کردند و این کار ادامه پیدا کرد.

و نامرست به یاد داده و حیثیت او را همه جا برده است. اینجاست که عقب می‌زنند. **تصحیح نسخه‌های خطی، فهرست‌نویسی و کتابشناسی، یکی دیگر از علائق حضرتعالی بوده، لطفاً در این باره هم توضیح بفرمایید که چگونه به این زمینه‌ها علاقه مند شدید؟** همان‌طور که عرض کردم، کار نویسندگی را از نوجوانی تقد کتاب آغاز کردم. نقدهای کوتاه برای چاپ در مجلات می‌فرستادم و آثار بلندتر را به صورت کتاب چاپ کردم. علاوه شخصی من نسبت به کتاب نقدهای کوتاه را برای چاپ در مجلات می‌فرستادم و آثار بلندتر را به صورت کتاب چاپ کردم. علاقه شخصی من نسبت به کتاب و نسخه‌های خطی باعث شد که به این‌ها روی آورم. بنده خودم تعداد زیادی نسخه خطی داشته‌ام که آنها را فهرست کردم. شاید حدود ۱۶۰ کتاب. که همه آنها به کتابخانه آیت‌الله نجفی منتقل شده. بعد به مدرسه فقیه رفق و با زحمت فراوانی کتاب‌های آنجا را فهرست کردم که در دو جلد چاپ شد.

**قبلاً فهرست‌نویسی و فهرست‌نویسی داشتند، آنجا ۲۰۰۰ جلد کتاب بود که فهرست تقصیری داشتند، آنجا ۳۰۰ جلد آن فهرست شده بود. بعداً به تدریج فهرست‌هایی برای کتابخانه مسجد اعظم قم، کتابخانه آیت‌الله کلباسچی، مدرسه مروی و مسجد چهلستون تهران نوشته‌ها. فهرست کتاب‌های آقای صفایی خوانساری را هم در یک جلد نوشته‌ام و فهرستی هم از کتاب‌های آیت‌الله**

استاد گفته‌اند کسانی که زیاد کتاب می‌خوانند نقد کتاب می‌نویسند؛ آنها که کمتر کتاب می‌خوانند زیاد کتاب می‌نویسند! با توجه به نقدهای متعددی که شما بر آثار دیگران نوشته‌اید، به نظر می‌رسد که سال‌ها با کتاب آشنا بوده‌اید. این آشنایی با کتاب از چه زمانی و در کجا حاصل شده است؟ من از همان زمان که در تهران با مسجد و مدرسه آشنا شدم و به اصطلاح طلبه شدم، با یک کانفرانسی در قیامی به اسم کانفرانسی جعفری شیرازی که از کانفرانسی‌های قدیمی تهران بود آشنا شدم. این کانفرانسی همیشه به‌طور منظم برگزار می‌شد و بنده در آغاز طلبگی با یک سال شاگردان کانفرانسی بودم. این کانفرانسی اگر ۵۰۰۰ جلد کتاب داشته، کتاب‌های تکراری‌اش را که برمی‌داشتی، ۳۰۰۰ عنوان کتاب داشت. این‌طور نبود که از کتابی تعداد زیادی داشته باشد. من در طول یک سال که آنجا بودم، به کل کتاب‌های آنجا مسلط شده بودم. طوری که صاحب‌مغازه تعجب می‌کرد، چون هر کس هر کتابی را می‌خواست، من دانستم آن کتاب کجاست! این اولین آشنایی من با کتاب بود. بعد هم با بسیاری از کانفرانسی‌ها رفت و آمد فراوان پیدا کردم و همیشه کتاب می‌خریدم. می‌فروختم، با عرض می‌کردم و تقریباً همیشه با کتاب آشنا بودم.

**شیوه مطالعه شما چگونه بود؟** من بعضی از کتاب‌ها را از روی می‌دم و برخی را مطالعه اجمالی می‌کردم. پاروئی کتاب‌ها را می‌خواندم. چاپ کتاب را از حیث صحت و سقم نقد می‌کردم. اشکالات متن کتاب را علامت می‌زدم و کاغذ فیش بر می‌داشتیم. کتاب‌های زیادی را به این شیوه خواندم. اما این‌طور نبود که همه کتاب‌ها را از اول تا آخر بخوانم. بعضی کتاب‌ها را تنها مرور می‌کردم و به دنبال علاقه شخصی خودم بودم.

**پس از چاپ اولین نقدتان بر کتاب دیگران چه احساسی داشتید؟** هر کس توی این‌ها رفتن، خیلی طبیعی است که احساس غرور کند. یک بار در همین مؤسسه در راه حق، یکی از دوستان پیشنهاد کرد کتابی در نقد آقای دکتر شریعی بنویسم. یاد هست که آقای کمال خرازی هم آنجا بود و گفت: خراب کردن آسان است، درست کردن مشکل است. واقعاً هم همین‌طور است. کسی با زحمت بسیار فرودست تو سه سال و گاه بیشتر کتاب می‌نویسد. آن وقت دیگری طرف یک هفته، ۳۰ روز در اثر می‌گوید و احساس غرور می‌کند! این غرور باعث می‌شود انسان توی این‌ها بیشتر هوس کند. تا وقتی که خودش گرفتار شود، یعنی خودش مؤلف شود. بعد می‌بند زحمت چند ساله‌اش را کسی به نام منتقد یا چند اشکال درست

مؤسسه فرهنگی-تربیتی کیهان  
100 اثر  
رضا استادی  
رسانه‌های دیجیتال  
تلفن: ۰۲۱-۸۹۵۰۲۱۷  
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پانزدهم تیرماه ۱۳۸۲

مؤسسه فرهنگی-تربیتی کیهان  
اثرها که وفت  
رضا استادی  
مؤسسه فرهنگی-تربیتی کیهان  
تلفن: ۰۲۱-۸۹۵۰۲۱۷  
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پانزدهم تیرماه ۱۳۸۲

**اطلاعیه همکاری**

شرکت بازرگانی کتاب گستر با کانفرانسیان در سراسر کشور

**شرکت بازرگانی کتاب گستر** ( توزیع کننده انحصاری کتابهای شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ) در ستانه سومین سالگرد تأسیس خود مفتخر بوده که از طریق کانفرانسی‌های معتبر در سراسر کشور کتابهای مورد نیاز پژوهشگران و دستاران کتاب را فراهم آورده است . لذا ضمن تشکر از مدیران محترم کانفرانسی‌هایی که تاکنون همکاری صمیمانه ای در این امر مهم با شرکت مینول داشته اند از سایر کانفرانسیان شهرستانها که تاکنون موفق به ایجاد ارتباط و عقد قرارداد با شرکت نشده اند دعوت می شود جهت اطلاع از شرایط همکاری با **تلفکس شماره: ۰۲۰۵۰۳۲۶** و **۲۰۱۹۶۹۵** تماس حاصل فرمایند .





## زنگ و زنگ

وحدی رویتن

# از پنج نقطه ایران

زمان به فروش نرسیدند بخش قابل توجهی از کتاب‌ها، امکان پرداخت به نوبتند و وجود ندارد، زیرا این موضوع، در توان مالی ما نیست.

ما برخی از نویسندہ‌ها نیز با مراجعه به ما، مایلند که کتاب‌هایشان با سرمایه خودشان منتشر شود که بحث دیگری است. مدیر انتشارات نخل می‌گوید، یک ناشر زن، علاقه به کار خودمیزد و می‌پردازد تلاش می‌کند که موانع را از پدید آمدن بگرد، مگر آنکه واقعاً در این مسیر توان واقعی‌اش را از دست بدهد که...

حاجم پیرجانی حضور یک ناشر در نمایشگاه کتاب تهران و نمایشگاه‌های مغربی را که در استان‌ها برگزار می‌شود، لازم می‌داند و می‌گوید، جدای از بحث فروش کتاب که واقعاً به تشویق و اذمه حیوات ناشر، منجر می‌شود و سال‌های بسیار با اهمیت است. البته با دیدگاه‌های مخاطبان هم مورد بسیار اهمیت است. آنکه به نظر من، تنها با حضور در نمایشگاه‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

وی در ادامه صحبت‌های خود با کتاب هفته تصریح می‌کند، اینک نمایشی، ناشایلی به حضور در نمایشگاه نداشته باشد، به این معنی است که دیدگاه‌های مخاطبان اهل مطالعه



و کتاب، برایش چندان مهم نیست و اگر چنین باشد، معلوم می‌شود که کار ناشر برای وی، عین است نه هدفه و شغل.

**بیجنت فریسی:مدیر انتشارات نقش‌ما ناخالصیان کیفیت:اصل فراموش شده**
اصفهان، شهر تاریخ، فرهنگ و شعر، از دیدزیا مطلق آثر گرتسنگ در حوزه‌های مختلف فرهنگی بوده است.

حیدمان آمد که از احوالات یثان ناشر این شهر، سراسری

تکبیریم

حاجم بیجنت فریسی مدیر انتشارات نقش‌ما در گفت‌وگو با ما گفت در انتشار یک کتاب از او هدفه‌ها و مخرهای قابل فراموش شده در صحت نشر نشرستان‌ها دانسته.

مدیر انتشارات نقش‌ما ی اصفهان می‌گوید، مشکل، مشکل است و وقتی که به عنوان مایع در روند کار، آنگار شود، فرقی ندارد که طرف حسابش ناشر زن باشد یا مرد.

حاجم فریسی با تأکید بر اینکه نگاه انحصاری موزعان کتاب در شهرستان‌ها و مسائلی که در این عرصه از وی آویزود دارد، بزرگترین و بزرگترین مشکل است که ناشران با آن دست به گریبان هستند، از تولید ناگت کلان در توزیع کتاب، شهرستان‌ها وجود دارد، به این معنی که کتاب‌هایی که شانس توزیع شدن را پیدا می‌کنند، به تمام جهات، دارای کیفیت و برتری نیستند و فقط، به موقع به دست مخاطبان رسیده‌اند. این ناشر کتاب که سال‌هاست در اصفهان به انتشار کتاب، مشغول است، می‌گوید، باتوان ناشر همواره سعی دارند فعال باشند و از فرصت‌ها به درستی استفاده کنند.

وی خواستار سامان‌بخشی به وضعیت مادی ناشران زن می‌شود و در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید، هر از گنده خیلی مناسب است که به این عده ناشران (ز) توجه شود و با اجرای نمایشگاه ویژه یا جشنواره‌ای، حرفی هم در این جمع زحمت کش به میان بیاید.

**فرنگیس نطاق:مدیر نشر ناطق‌خیزین کتاب ارزان‌ترین کالا**

نشر ناطق، در شهر تبریز مدت‌هاست کتاب منتشر می‌کند و برای اهل فرهنگ نام‌آشناست.



مدیر این مؤسسه انتشاراتی حاجم فرنگیس نطاق است که با کتاب هفته به گفت‌وگو می‌پردازد. این باتوی ناشر، در ابتدا با به نظر تأسف از اینکه در کشور ما محقق و ناشر، باید خودش همه امور انجام بدهد، می‌گوید. محقق، باید به اندازه کافی فرصت فکر کردن داشته باشد، هر چند که در شرایط به نظر پشیمانانه، به پویایی نزدیک می‌شود

مدیر انتشارات ناطق نیز می‌گوید، ناشران زن، واقعاًها هستند و هیچکس حاضر نمی‌شود عدالتی آنها را بشود.

وی با اشاره به اینکه ایک مادرش بسیار است، و باید در ساعتی هم به پرستاری از مادر بپردازد، می‌گوید، هیچکس با توقع مادی وارد قلمرو نشر نند، اما کمتر نمی‌کرم که در طول کار، تا این اندازه با مشکل مواجه باشم.

این باتوی ناشر می‌افزاید، فروش کتاب به وجه و تضمین شده نیست و نباید به نشر، نگاه مادی داشت اما به هر حال، باید بخشی هم چند اندک از سرمایه برگرداند تا بتوان، به فکر انتشار کتاب‌های بعدی بود.

حاجم نطاق با اشاره به اینکه خودش کارهای تحقیقی در دست اقدام دارد و اهل مطالعه است، می‌گوید، مثل مردم از سایر مشکلات و موانعی که در این راه وجود دارد، چیزی نگویم چون فرصت محدود است و بعضی از مشکلات به اندازه‌ای قابل لمس است که دیگر نیازی به تأکید بر آن نیست.

این باتوی ناشر، وضعیت کتاب و ادبیات و در تبریز را وضعیت‌بخش می‌داند و می‌گوید، این اعلام رضایت، به معنی برآورده شدن کامل انتظارات یک جامعه فرهنگی نیست، نسل امروز، آنچه می‌بند و بررسی می‌کند، سطح است و کمتر به عرف، نزدیک می‌شود.

وی با اشاره به اینکه، اکثر پیش از این غفلت‌های فرهنگ کتابخوانی در معرض فراموشی است و مطرح‌جاری تر آن است که در پاداش حرف بر نیم و قلم‌ورسای کنیم، می‌افزاید، کتاب‌های خوب و اثرگذار که به عین اهل فن، واقعاً حرفی برای گفتن دارند، خیلی دیر به دست مخاطبان می‌رسند. فرنگیس نطاق، باتوی ناشر تبریزی و مدیر نشر ناطق با فریاد بر اینکه در اختیار نداشتن پول از سوی مخاطبان برای خریداری کتاب، یک دروغ بزرگ و نارواست، می‌گوید، نصفاً این قسمت کتاب پایین از سایر تلا‌های است که عرصه، می‌شود و من بارها از نزدیک کسانی را دیده‌ام که تلاش می‌کنند، از کتاب می‌خرند که هرگز مورد نیازشان نیست اما در راه کتاب، به گونه‌ای خود می‌پردازند و می‌گویند که قسمت آن گران است که نباید این اظهار نظر‌ها را به هر فرقی از واقعیت و تکیه به دیدای منهای کتاب، است، جدی گرفت.

**فاطمه ریاحی معاون نشرندان اموز**

**تشکل صنفی نشر داریم**

معلمان مؤسسه انتشاراتی نادار از ناشران زن توسط گفت‌وگو با ما، وجود مشکلات بر سر راه زنان ناشران را موضوعی قابل طرح می‌داند و می‌گوید، نمی‌توان گفت که همه این مشکلات، ناچیز و بی‌ش یا افتاده است، چرا که برخی از همین مشکلات و نامل‌ها یکی عامل‌هاست فرامغربی خاص، می‌تواند مایع بسپزد

اهداف ناشر شود.

فاطمه ریاحی که در نوبه مدیر اصلی مؤسسه به مدیریت امور مربوط به نشر کتاب می‌پردازد و پیش از این نیز به عنوان ویسنادار در این انتشارات مشغول به کار بوده می‌افزاید، در نوبه، اداره یک انتشارات توسط بانوان کاری سهل و ممتنع است و حسابش‌ها و وثوری‌های مربوط به خودش را دارد، پس نمی‌توان درباره آن، به تضاری یک طرفه قضاوت.

ریاحی، در ادامه صحبت‌های خود می‌آید که می‌کند، کتاب، از مرصه‌ای که در اختیار ناشر قرار می‌گیرد و اقامات اولیه روی آن انجام می‌گیرد تا مطمئن که از چپ‌لخته بیرون می‌آید و به دست مخاطب می‌رسد، مستلزم توجهات و پیگیری‌های ناشر است. ناشران ناگو هم باید دیدگاه این مراحل را وظ نظر کنند و به طو ناشران کتاب، توجه کافی داشته باشند. معلمان انتشارات نادار می‌گوید، نباید در قلمرو فرهنگ زبان را جدلاً بران میدان‌دوری‌ها برانهمیزد، ولی‌ها جداگانه داشت، به اعتقاد من، باید گفت که مدیر قرار گیرد.

وی تأکید می‌کند، زنان ناشران را می‌توانست که قبل از ما کار ناشر کتاب را شروع کرده‌اند و با صبر و تحملی که بیشه کرده‌اند اکنون موفق هستند و کتاب‌هایی منتشر می‌کنند که برای مخاطب، قابل قبول است.



**چرا فقط پنج نفر؟**



نشر کتاب در شهرستان‌ها ماه همین عوارفت است، گوییم که نهادها و مراکز مرتبط با فرهنگ، مکتوب، منتشر می‌شود، برترین کتاب‌هایی را که در شهرستان‌ها منتشر می‌شود، خریداری نمایشگاه بین‌المللی نظر، لادابل کارشناسی و فرهنگی نیز داریم.

در حالی که فضای حاکم بر ادبیات و کتاب شهرستان‌ها، کاملاً نامتواز و پراکنده است، نمایشگاه‌ها، اصولاً در اغلب ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر مراکز مرتبط با حوزه فرهنگ و هنر در شهرستان‌های کشور، تحت خرید کتاب و حمایت از ناشران و مؤلفان مستعد و جوان، عفتی است. یا اگر گاهی اتفاق در این زمینه می‌افتد، منوط به هدیه‌ها و مرااگ است. گوییم در جملی این کار سببشده، در شرف وقوع می‌باشد، در این صورت هم ناظر به شدت و تعداد این حرکت در مکتب‌ساز اجرائی یک اراده، به اندازه‌ای وقت گیر و طاقت فرسا می‌شود تا اینکه ناشر و مؤلف به کلی قفسه را فراموش می‌کند.

دفعه اصلی نگارنده، قطعاً خرید و فروش تعدادی کتاب از ناشر یا یک نویسنده و ادیب‌سند و فهرستی یا مرکز تخصصی نیست. تقریباً در این عهده و زمانه و در دین است، از آن ضرورت و موج‌های شایسته برای اهل کتاب است. اما ها هنوز دوران از اول کشور، اعم از دهنی، ریاست جمهوری و حتی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای نکته‌بندیاری کرده‌اند و خواستار توجه بیشتر به اهل فکر و قلم شده‌اند اما هنوز می‌بینیم که یک پرسنده، ناشر و اهل فکر، عهده‌ای را پشت در اتاق می‌گذارد، منتظر می‌ماند...

برای تهیه گزارشی که اکنون در همین صفحه پیش روی شماست، با پیش از دست‌یابی ناشر در سراسر کشور، کتاب گرفته شد اما فقط پنج نفر بودند، دیگران، حتی نخست‌وزیران و مشکلات از میان برداشته شدند یا کتاب هفته نگوی و زبان بیابردند!

این موضوع، بیانگر گستره‌ای از دشواری‌های است که برای اهل نشر و کتاب در شهرستان‌ها وجود دارد، نکته جالب توجه این است که فریب‌ها به اتفاق این دوستان، نظیر عموهای هالی که هستند، امید به فرقی بلند و روشن داشتند، به راسی تا بین آرام فرقی روشن برای نشر و کتاب می‌بفاده به کسی است؟ مناسب است در این خصوص، مگویی بیشتر و عتیق‌ر بن‌بندیم شاید در این صورت، فضایی به وجود بیاید که دوستان، حداقل برای گفتن راه حل رغبتی به سخن گفتن بماند کند...

**رسانه‌ها**

**بخارا**

شماره ۲۹-۳۰، مجله فرهنگی و هنری بخارا ویژه فروردین ۱۳۸۲ منتشر شد.

وین اشواره می خوانید، سرورمناه، ما باید بدانیم در چه زمانه‌ای زندگی می‌کنیم / دکتر منوچهر پاسارگوست، فلسفه نظر، من درباره تاریخ / آنژ تولد، چ توین می دربار عزت‌الله فولادوند، تاریخ، سایه سهمگین سرگوب دکتر محمدعلی موحده‌قندی، بست‌مستقیم از چه زمانی آغاز شد؟ / ارباب موری ویس / اسفدر عقی زاده، ایرانشناسی، تازه‌ها و دریاهای ایرانشناسی (۳۶) / ایرج افشار، گفت‌وگو با روح‌داری علی رحمانی، ایران با پرش، پاسارگوست، صنعتی، پژوهش، علی عشق / معراج‌عاقی استار، راه‌ها و صنعتی، پژوهش، علی عشق / امیدالحسن آفرنگه، امروز نقش عرب با کجاست؟ / آذوس / امیدالحسن فراداد، شعر فارسی، شعر حاجی / طوس / استاد، سه نامه منتشر شد / دکتر محمد مصدق / محمد گلین و...

شماره ۱۳۳، خنیشه ۵ مرداد ۱۳۸۲

## انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

**انجمن زنان پژوهشگر تاریخ با وجود نوپایی** براسی یکی از پهنترین و موثرترین گروه‌های کار جمعی زنان تخصصی و کاروان این سرزمین است. پژوهشها، سینه‌بازها، میزگردها، سخنرانی‌ها، جزوات و کتاب‌های این انجمن خود گروه صافدی است از آنکه اگر به زنان مستعد کشورمان میدان داده شود، فعالیت‌های مریون و درخور حسیتی در کارنامه خود به ثبت می‌رسانند و چنانچه برخی قیود بی‌میا و نشأت گرفته از سستی جهل آلود مانع فعالیت آنان نشود، آثار ارزشمندی خلق خواهند کرد. آنچه در پی می‌آید گزارشی است از فعالیت انجمن زنان پژوهشگر تاریخ همراه با توضیحات حوری سعیدی نایب رئیس هیأت مدیره که مرهمی و همکار میزولانه و صمیمانه ایشان، کمک شایانی در تهیه این گزارش کرد.

### تاریخچه و اهداف

اگرچه انجمن زنان پژوهشگر تاریخ در سال ۱۳۷۸ با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره رسماً فعالیت خود را آغاز کرد، اما نقطه اولیه شکل‌گیری این جمع به زمانی قبل برمی‌گردد؛ «مدیران» از سال ۱۳۷۷ در پی گروه‌هایی یک‌سری از زنان در حوزه تاریخ که دارای تحصیلات کارشناسی و ارشد و دکتری در این رشته بودند، ایده تشکیل این انجمن شکل گرفت. حوری سعیدی نایب‌رئیس هیأت مدیره این انجمن می‌افزاید: «هدف اصلی ما فعالیت در حوزه‌هایی از تاریخ است که احساس می‌کردیم معطل مانده است. یکی از آن موارد زن در تاریخ بویژه تاریخ ایران است که به درستی شناخته نشده است و برای این امر یک سری کارهای عمیقتر و جدی‌تر نیاز بود».

از جمله اهداف دیگر این انجمن می‌شود به این موارد اشاره کرد:

- ۱- ارتقای سطح علمی و فرهنگی فارغ‌التحصیلان در رشته تاریخ
- ۲- تبیین علم تاریخ و کاربردی کردن این رشته در کشور
- ۳- ایجاد ارتباط و هماهنگی بین مراکز آموزش و پژوهش و تحقیقات تاریخ
- ۴- ایجاد ارتباط و پیوند بین زنان پژوهشگر تاریخ جهت انجام برنامه‌های تعیین شده در چارچوب اهداف انجمن
- ۵- تلاش جهت اعتدالی پژوهش‌های تاریخی در کشور.

### کمیته‌های بنیاد

از مکان‌های زنان پژوهشگر تاریخ مرکب است از مجمع عمومی، هیأت مدیره و بازرسی. هیأت مدیره نیز فعالیت‌های تعریف شده خود را در قالب پنج کمیته آموزش، پژوهش، طرح و برنامه، روابط عمومی و امور بین‌الملل و مالی - اداری انجام می‌دهد.

در کمیته پژوهش که با توجه به موضوع کار و تحقیق و اهداف آن، عمده فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد برگزاری جلسات سخنرانی و نشست‌های علمی ماهانه، میزگردها و نشست‌های تاریخی یا حضور اساتید حوزه و دانشگاه، تشکیل کمیته و جلسات مشورتی پیرامون طراحی پژوهش‌های تاریخی با حضور محققان و صاحب‌نظران... پیش‌بینی شده است. خاتمه سعیدی در مورد این کمیته می‌گوید: «در کمیته پژوهش علاوه بر طرح‌هایی که اعضای انجمن

پیشنهاد می‌کنند، یک‌سری طرح‌ها نیز در ارتباط با حوزه کاری ما از بیرون ارائه می‌شود و ما همگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم». وی می‌افزاید: «طرح‌های کلان‌ما به وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان اسناد و معاصر... ارائه شده، یک پیشنهادی هم از طرف وزارت علوم داشتیم با موضوع زن در تاریخ علم» عنوان برشی سخنرانی‌ها، میزگردها، سینه‌بازها



### دغدغه اصلی ما فعالیت در حوزه‌هایی از تاریخ است که احساس می‌کردیم معطل مانده است

و برنامه‌های انجمن که در فاصله آبان ۱۳۷۸ تا آبان ۸۱ انجام شده به قرار زیر است.

«سینه‌باز انجمن زنان پژوهشگر تاریخ»، «جایگاه و کاربرد تاریخ در جهان و ایران»، «معرفت‌شناسی تاریخ»، «معرفت‌شناسی تاریخ در میزگرد زن در دوره‌های مختلف ایران»، «میزان»، «نشست پژوهشگران - ناشران در تالار اصفهان نمایشگاه بین‌المللی تهران»، «روابط فرهنگی ایران و چین»، «روابط ایران و غرب»، «روابط ایران و هند»، «نقد ایران در فرهنگ و تمدن اسلام»، «میزگرد بررسی وجود شخصیتی حضرت زهرا (س)»، «روابط فرهنگی ایران و مصر»، «روابط فرهنگی ایران و روم»، «نقد زنان در روزنامه نگاری»، «روابط فرهنگی ایران و عثمانی»، «روابط فرهنگی ایران و اروپا»، «نظام دانشگاهی و تأثیر آن بر اروپا»، «روابط فرهنگی ایران و اروپا در زمان معاصر»، «مرزهای ایران و ترکیه»، «آموزه»، «جامعه‌شناسی و تاریخ»، «ابستان‌شناسی و تاریخ»، «ارتباط سکه و تاریخ»، «ارتباط ادبیات و تاریخ»، «ارتباط علوم سیاسی و تاریخ»، «ارتباط اسناد با تاریخ»، «کلاس‌های زبان پهلوی»...

در این برنامه‌ها اساتید و صاحب‌نظرانی چون دکتر مهابرانی، دکتر آینه‌وند، دکتر داری، دکتر تکمیل همایون، دکتر اسلامی ندوشن و... حضور داشتند.

همچنین انجمن در راستای برنامه‌های پژوهشی و علمی خود سفرهایی نیز به ایتالیا، هند، اصفهان، تبریز و شمال کشور داشته است.

اما برنامه سخنرانی‌های انجمن از اوایل اسفند متوقف شده است. «از اوایل اسفند به جهت تغییر در جهت‌گیری‌های سخنرانی‌ها، این برنامه متوقف شده بود ولی همین روزها (اواخر مرداد) دوباره آغاز خواهد شد». نایب‌رئیس هیأت مدیره انجمن زنان پژوهشگر تاریخ درباره زمان بندی سخنرانی‌ها می‌گوید: «سخنرانی‌ها و نشست‌های علمی ماهانه هستند و «معرفت‌شناسی تاریخی» در یک دوره

یکساله و تاریخ و علوم مرتبط با آن» در طول یک سال و نیم ارائه شد. سعی ما بر این است که سخنرانی‌ها هدفمند باشد». «بررسی وضعیت زنان در ایران پیش از اسلام و پس از اسلام»، «بررسی نقش سازمان‌های مردمی و محله‌ای در پیروزی و عدم انقلاب اسلامی»، «تاریخ فرهنگ، گفت‌وگو و زن در ادوار مختلف تاریخ ایران» از دیگر میزگردها و سینه‌بازهای انجمن است که آخری به صورت بین‌المللی برگزار شده بود.

### حضور در نمایشگاه کتاب

از جمله فعالیت‌های کمیته پژوهش انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و برگزاری جلسات بررسی و نقد کتاب‌های تاریخی است.

حوری سعیدی در این مورد می‌گوید: «ما در تمام سینه‌بازها یک بخش جانبی‌ای برای کتاب‌های خود داریم. در نمایشگاه کتاب هم در غرفه ناشر کتاب‌هایمان برگ‌زیتون، آنها ارائه کرده‌ایم. اما در مورد جلسات نقد کتاب‌های تاریخی هنوز برنامه‌ای نداشته‌ایم ولی پیشنهاد آن را به برخی مراکز فعال داده‌ایم و ترجیح می‌دهیم در این زمینه با تأمل بیشتری حرکت کنیم».

تهیه مقالات و انجام تحقیقات تاریخی ارتباط با مراکز فرهنگی - پژوهشی مخصوصاً مراکز اسناد و تحقیقات تاریخی و تهیه فهرست کتاب و نشریات تاریخی جهت استفاده در کتابخانه کمیته آموزش نیز از حوزه‌های تعریف شده در کمیته پژوهش است.



اما کمیته آموزش انجمن زنان پژوهشگر تاریخ دوره آشنایی با اینترنت، آموزش مکالمه زبان انگلیسی، آشنایی با زبان پهلوی و دوره‌های ترجمه متون تخصصی انگلیسی و عربی را در دستور کار خود دارد. سعیدی می‌گوید: «یک‌سری کلاس‌های آموزشی خودمان داشتیم و برای برخی کلاس‌هایی که در مراکز دیگر تشکیل می‌شد، نماینده معرفی کردیم. کلاس‌های متنوعی در برنامه داریم اما متأسفانه معضل جا و مکان برای ما هنوز حل نشده است».

طرح‌ها و برنامه‌های پژوهشی انجمن در کمیته طرح و برنامه، بررسی و پس از تصویب در هیأت مدیره برای اقدام به مراکز نهادها و مؤسسات مربوطه ارسال و هماهنگی آنها انجام می‌شود. از مراکزی که تاکنون انجمن با آنها طرح‌های مشترکی داشته می‌توان به مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگی - شهری تهران، مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مرکز اسناد وزارت امور خارجه اشاره کرد. انجام پژوهش‌های تاریخی به صورت فردی یا



مشترک، انجام سفرهای پژوهشی تهران کردی، ایرانگردی و جهانگردی و دیدار و گفت‌وگو با مورخان و محققان کشورها و ایجاد شبکه ارتباطی سازمان‌های غیر دولتی پژوهشی زنان از طرح‌های معصوم این کمیته است.

### کتابخانه تخصصی تاریخ

راه‌اندازی کتابخانه تخصصی تاریخ نیز در این کمیته پیش‌بینی شده است. خاتمه سعیدی می‌گوید: «عضو هیأت علمی کتابخانه ملی است در این باره توضیح می‌دهد: «این موضوع یکی از پیشنهادات ما به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. حتی به میراث فرهنگی پیشنهاد دادیم که یکی از مراکز تاریخی را احیا کنیم و کتابخانه تخصصی تاریخ و خانه تاریخ را تأسیس کنیم. اما هنوز جوابی دریافت نکرده‌ایم».

جواب و نشر کتاب‌ها و مقالات و خبرنامه و تهیه بانک اطلاعات محققان و اساتید تاریخ، فارغ‌التحصیلان، پایان‌نامه‌های دانشجویی و مراکز تحقیقاتی تاریخی از جمله برنامه‌های کمیته روابط عمومی و امور بین‌الملل انجمن زنان پژوهشگر تاریخ است.

حوری سعیدی در این مورد می‌گوید: «برای ایجاد بانک اطلاعاتی قدیمی‌های اول، پیشنهاد شده ولی هنوز کامل نشده است اما بخشی از اطلاعات ما در سایت انجمن موجود است».

### انتشارات انجمن

ایم تاریخ، نشریه داخلی انجمن ابتدا در ۱۲ شماره و سپس در دوره جدید تا شماره پنجم آن به شکل بسیار جذاب و حرفه‌ای منتشر شده است. این انجمن تاکنون چند کتاب و کتابچه نیز با همکاری انتشارات برگ‌زیتون منتشر کرده از جمله: زن در تاریخ ایران - خلاصه مقالات سینه‌باز بین‌المللی زن در ادوار مختلف تاریخ ایران، «تاریخ کرگان از دوران باستان تا عصر حاضر - مجموعه مقالات»، زن در تاریخ ایران - چگونه پایان‌نامه‌های دانشگاهی، «تاریخ روزنامه نگاری در ایران» و...

نایب‌رئیس هیأت مدیره می‌گوید: «حاصل برخی میزگردها و سخنرانی‌ها با برابری مجدد نیز بر روی به چاپ خواهد رسید. از جمله مقالات سینه‌باز زن در دو جلد و معرفت‌شناسی تاریخی».

از حوری سعیدی درباره شرط داشتن مدرک کارشناسی ارشد برای عضویت در انجمن که باعث محدودیت حضور بسیاری از استادانی می‌شود می‌پرسیم. وی می‌گوید: «این محدودیتی است که وزارت علوم برای ما قائل شد و ما باید می‌پذیریم ولی از دوستانمان و محققان در کنار مجموعه‌مان استفاده خواهیم کرد».

### وضعیت کتاب‌های تاریخی

حوری سعیدی که هم کارشناس حوزه تاریخ و هم عضو هیأت علمی کتابخانه ملی است، درباره وضعیت کتاب‌های تاریخی در کشور می‌گوید: «این موضوع با وضعیت نشر کتاب در ایران مرتبط است اما در حوزه تاریخ نسبتاً وضعیت بهتری در مقایسه با دیگر علوم داریم. چون هم مردم آشناتر هستند، هم نشسته دانستن در این حوزه، در موضوع تاریخ کارهای جدید به نسبت ترجمه‌ها کمتر است. در واقع خارجی‌ها همچنان در این حوزه پیش‌باز هستند».











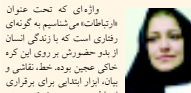




## یادداشت

گیتا علی زادی

## هر چند سه واژه



واژه‌ای که تحت عنوان «ارتباطات» می‌شناسیم به گونه‌ای رفتاری است که با زندگی انسان خدای عین بوده. حلقهٔ تقاضا و نیاز، بیان ابراز انسانی برای برقراری ارتباط محسوب می‌شود. پیچیده شدن روابط انسان‌ها و ظهور وسایل جدید که در نهایت منجر به ورود اصطلاح «رسانه‌ها» به زندگی بشر شد، تغییرات فراوانی را برای او در پی داشت. نیاز انسان به دانستن و آگاهی از آنچه که در اطرافش می‌گذرد او را واداشت تا به آموزش و یادگیری روی آورد. به نظر می‌رسد در ابتدا روش‌های یادگیری بیشتر تجربی و عملی بود و سپس چاپ، عیونیات و آرا و نظایه داشت شد تا بعدها عرضه کتاب‌نویسی، اما امروز دسترسی به همین کتاب که وسیله‌ای برای برقراری ارتباط، آشنایی با فرهنگ‌ها و نظرات گوناگون و جایگاهی برای ابراز عقیده است کار آسانی نیست.

بازار مبلور است از کتاب‌های متعدد در هر رشته و از هر تخصصی از کتاب‌های سرگرم‌کننده تا درسی. اما تا چه اندازه، کتاب‌های آموزشی و تخصصی به معنای واقعی آن منتشر شده است؟ کتاب‌هایی که به عنوان منابع مرجع مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد. در هر رشته، نشانه‌ها تنها چند کتاب جدید به طور مشخص برای آموزش دانشجویان به چاپ رسیده‌اند. این معضل برای رشته‌های جوان بیشتر به چشم می‌خورد اما جمله رشته علم ارتباطات.

براساس آمارهای موجود در بانک اطلاعاتی مؤسسه خانه کتاب در سال ۱۳۸۱ تنها ۲۲۲۷ عنوان یعنی ۲۴ درصد مجموع کتاب‌ها اختصاص به کتب کمک‌آموزشی و درسی داشته است.

کتاب‌های معددی که تا به امروز منتشر شده و در دسترس همگان قرار گرفته، بیشتر بازار حجه صرف بوده و یا به همان افرد تخصصی از منابع گوناگون جمع‌آوری شده و تاکنه پداسات انگیزه فعالیت‌ها می‌تواند عملی برای دست یافتن به اطلاعات بیشتر و همچنین ارتقای سطح آگاهی‌های مطالعه‌مندان به دانش باشد. در عین حال، سودمندان دانش را با اندیشه‌های گوناگون آشنا می‌سازد، اما چگونه؟

بازار تألیف و تدوین در این دوره پررونق است. این شیوه پررزه اگر با نور زیبایی همراه شود، نوذکی بیشتری را بازن خود نشان دهد. اما در حقیقت صرف تزیین ظاهری به قلمی فارسی، علاوه بر تسلط کامل به هر دو زبان، تزیین به دانش مستور زبان فارسی هو دراز، گویچه یافتن واژه‌های مناسب، گویا و قلاب درک یکی از اردهای نگارش خوب محسوب می‌شود اما نباید ساختار نگارشی و البته توانایی ترمیم را فراموش کرد. وقتی چند کتاب ترجمه شده را ورق بزنید، کاملاً متوجه خواهید شد که نگارش برخی از مطالب جالبی قضایی به خود گرفته است و آن بختگی و روانی لازم را ندارد.

کنکه قبلی توجه دیگری که نباید از نظر دور داشت، رعایت نکردن قانون کپی‌رایت، یا همان اشترک حق چاپ است که موجب نادانانه بی‌تعماری به حق نظیر نویسندگان پیرشده‌اند. کتب تخصصی دانشه دانشه است. این هفتگی حق در مورد کتاب‌هایی که سال‌ها قبل در کشور خودمان منتشر شده نیز دیده می‌شد. یعنی چاپ مجدد آن کتاب‌ها با عنوان جدید، یا مؤلفی جدید، یا حذف چند فصل یا یا حتی جابجایی فصل‌های اول از یک کتاب…!

تألیف، ترجمه و تصنیف هر چند سه واژه‌اند که در حرف اول مشترک هستند اما تأثیر و نگاه هر کدام متفاوت است. تألیف و ترجمه، عقاید، عقایدات و واژه‌های دیگران را دربر دارد. اما تصنیف، با تکرار واژه‌نویس‌های نویسنده است که مسأله‌ها امروز کنترلی آن ترجمه می‌شود. کارنامه نشر در سال ۱۳۸۱ آمار تألیف کتاب از ۲۶ هزار و ۶۳۱ عنوان یعنی ۷۷ درصد جمع کتاب‌های منتشرشده و ترجمه را ۹۲۹۴ عنوان ۲۳ درصد عنوان می‌کند و در این میان آنچه دیده نمی‌شود تصنیف است.

با این وجود صرف وقت برای ترجمه کتاب امروز امری ضروری به نظر می‌رسد. آشنایی و آگاهی از منابع روزی می‌تواند ما را برای ورود به آنچه که عنصر جامعه اطلاعاتی، یا خواننده می‌شود یاری دهد. پس اگر خود سعی در تولید اندیشه نمی‌کنیم، لافا با اندیشه دیگران آشنا شویم.

## زنگ ویژه

زهرا صاحب‌مندی

گفت‌وگو با بهجت نجفی اردبیلی، مدیر انتشارات پیک بهار

## یک تنه از صفر تا صد

کتاب‌ها نمی‌توان براحتی دریافت که محتوای آنها چیست. به این دلیل با مشکلات فراوان پدید این کتاب‌ها را از خارج تهیه کنیم بعد از مطالعه آنها میان هر سه یا چهار کتاب یکی را مناسب تشخیص دهیم. سپس از میان این کتاب‌های مناسب آن تعدادی که با ضرورت‌های امروزی جامعه ما سازگار است، برای ترجمه و تولید برگزینیم.

از طرف دیگر مؤلفان داخلی و ایتدیان ارشد در کشورمان کمتر در این عرصه فعالیت می‌کنند. به این جهت عملاً از نشر کتاب‌های نویسندگان داخلی در این حوزه محروم هستیم.

اما این بخشی از مشکلات ماست. دروسی این کتاب‌ها نیز مشکلات خاص خود را دارد. مخاطبان معمولاً با به دنبال کتاب‌های آکادمیک هستند و از این روی زبان کتاب‌های ما آنها را به اشتباه انداخته و آن را مشابه کتاب‌های دسته دوم یعنی کتاب‌های حدیث نفی تلقی می‌کنند و یا به دنبال کتاب‌های حدیث نفی و روایبی هستند که بات و ادبیات و تفاسیر استدلالی این کتاب‌ها که از راضی نمی‌کنند.

کتاب‌های ما با یک مانع بزرگ دیگر نیز روبه‌روست و آن یک‌ساله بزرگ فرهنگی است. کسی که به سراغ چنین کتاب‌هایی می‌آید، نخست باید بداند که مثلاً قرقرنش مشکل تحصیلی دارد. سپس باید بداند که او به عنوان پدر، مادر، معلم، دانش کانی برای مواجهه با این رفتار علت آن رفتار و شیوه‌های تعلیم و تربیت این رفتار را ندارد. اما واقعیت این است که ما معمولاً نسبت به اینکه که خودمان یا نزدیکانمان از مشکل مواجهه هستند، اگر هم آن را ببینیم، کمتر حاضر به تیزل این واقعیت هستیم که خودمان یا مشکل نیاز به تخصصی وارد که قلاب آن هستیم.

**با مشکلات خاص شماست که تا اواخر دهه ۸۰**

پیدیا! واقعیت این است که تا اواخر دهه ۸۰ میلادی در عرصه‌ای که من کار می‌کنم با دوتیو کتاب مواجه بودیم. دسته اول کتاب‌های آکادمیک است. این کتاب‌ها که نویسندگان آنها از نامداران این عرصه هستند، مورد استقبال دانشجویان و متخصصان قرار می‌گیرد. دسته دوم کتاب‌هایی است که ادب حکم می‌کند از آنها به عنوان کتاب‌های ساده یا کتاب‌هایی که حدیث نفی نویسنده و جزای تجربیات یا قرار می‌گیرد. اگر چه این کتاب‌ها مجربند، اما قطعاً واجد شرایطی که بیان از آنها به عنوان کتاب‌های معیتر نام برد نیستند.

اما دسته سوم که من تلاش دارم آنها را چاپ کنم، کتاب‌هایی است که از اوایل دهه ۹۰ میلادی نشر جدی آنها شروع شده است. این کتاب‌ها را متخصصان این حوزه با بهره‌گیری از آمار، مشاهدات میدانی و مبانی علمی اما به زبان غیرتخصصی و ساده می‌نویسند. خوانندگان این کتاب‌ها بی‌آنکه نگارن اصطلاحات و واژه‌های پیچیده علمی باشند با موضوع مورد نظر به صورت جدی اما ساده آشنا می‌شوند.

**اما این موضوع چرا برای شما مشکل ایجاد می‌کند؟** مشکل این است که از یک طرف تعداد این کتاب‌ها محدود است. از طرف دیگر از طریق شناخته‌نامه این

و مستعد داشت. جامعه مدنی -دست کم برای ما- یک موضوع با مفهوم مدرن است و تحقق آن نیز به انسان‌های مطلع و سازگار با این مفهوم نیاز دارد. تجمع افرادی که خود از عوارض مختلف رفتاری و تربیتی رنج می‌برند و یا جمع طاهری مجموعه‌ای از افراد که ضرورت اجتماع و همبستگی را باور ندارند، چندان وفای به مقصود نخواهد بود.

نیز این تصمیم گرفتیم. سهم کوچکی در این حوزه داشته باشیم. یعنی به سراز کتاب‌هایی بروم که به بود کمک می‌کند تا شخصاً به اصلاح و تقویت ضرورت‌های فردی



### ❖ تقریباً تمامی کتاب‌هایی که

### منتشر کرده‌ام در حوزه مدیریت فردی و مدیریت خانواده است

هر روزاد. به این جهت از ساخت مربوط به آداب گفت‌وگو و حق انتخاب گرفته تا شیوه رابطه با جوان ها و همسر و با زمین‌های عقوبت خلایق، مفهوم آموزش سراد و یا شناخت تفاوت‌های دختر و پسر همگی در حوزه کاری من قرار دارد. اما در این میان با مشکلات مختلفی روبه‌رو هستیم.

**این مشکلات از جمله مشکلات عمومی نشر است یا مشکلات خاص شماست؟**

ببینید! واقعیت این است که تا اواخر دهه ۸۰ میلادی در عرصه‌ای که من کار می‌کنم با دوتیو کتاب مواجه بودیم. دسته اول کتاب‌های آکادمیک است. این کتاب‌ها که نویسندگان آنها از نامداران این عرصه هستند، مورد استقبال دانشجویان و متخصصان قرار می‌گیرد. دسته دوم کتاب‌هایی است که ادب حکم می‌کند از آنها به عنوان کتاب‌های ساده یا کتاب‌هایی که حدیث نفی نویسنده و جزای تجربیات یا قرار می‌گیرد. اگر چه این کتاب‌ها مجربند، اما قطعاً واجد شرایطی که بیان از آنها به عنوان کتاب‌های معیتر نام برد نیستند.

**اما دسته سوم که من تلاش دارم آنها را چاپ کنم، کتاب‌هایی است که از اوایل دهه ۹۰ میلادی نشر جدی آنها شروع شده است. این کتاب‌ها را متخصصان این حوزه با بهره‌گیری از آمار، مشاهدات میدانی و مبانی علمی اما به زبان غیرتخصصی و ساده می‌نویسند. خوانندگان این کتاب‌ها بی‌آنکه نگارن اصطلاحات و واژه‌های پیچیده علمی باشند با موضوع مورد نظر به صورت جدی اما ساده آشنا می‌شوند.**

**اما این موضوع چرا برای شما مشکل ایجاد می‌کند؟** مشکل این است که از یک طرف تعداد این کتاب‌ها محدود است. از طرف دیگر از طریق شناخته‌نامه این

## منتشر شد







علیرضا شمرمدی

## یادداشت

در باره رخشان بنی اعتماد

## می نویسد با دوربین

نهفته میلانی هم اشاره کرد که نه تنها فیلمنامه نویسن همه فیلم‌های عموش بوده حتی برای چند فیلمسازی مردم فیلمنامه نوشته است،اما شخصاً ترجیح می‌دهم میلانی را در کنار سایر فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان مردی قراردهم که ارادتی به آثارشان ندارم.

بجز تلاش زنان فیلمنامه نویسن در پرداختن به معضلات جنس خود، کسانی مثل منیر فرجی یا دیگران وارد عرصه‌های دیگری از داستان‌گویی هم شدند و می‌آنکه زن بودن امتیازی مثبت باشم برایشان به حساب بیاید نتوانستند چندان موفق باشند. شاید به این دلیل واضح که تعداد فیلمنامه‌نویسان زن،مثل زنان در سایر رشته‌های سینما بجز بازیگری و کریم، بسیار کمتر از مردان است.

با این مقدمه کلی ترقی و رخشان بنی‌اعتماد موفقترین فیلمنامه نویسان با همکاران فیلمنامه نویسن در سینمای ایران به حساب می‌آیند. ترقی با پشتوانه‌ای که در داستان‌نویسی دارد- و یکی از پرچم‌زنه‌ترین داستان‌نویسان معاصر به حساب می‌آید- هرگز یک فیلمنامه نویسن حرفه‌ای نبوده با اختیاسته که باشد. به همین دلیل شاید باید او را یک استثنا تلقی کرد، اما رخشان بنی‌اعتماد خود داستان‌دیگری دارد.

راز ماندگاری بنی‌اعتماد و آثارش در نگاه انسانی‌ای‌ست که دارد،او آدم‌ها را فرغ از جنبششان، در وهله اول به عنوان یک انسان نگاه می‌کند،و به همین جهت در مراد فیلم‌های او(البی‌افضل پورعرب در ترکس، عزت‌الله انتظامی در روسری آبی و محمدرضا فروتن در زیر پوست شهر)اگر جذاب‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از زنان فیلم‌هایش نباشند دست کمی

اگر تقسیم کردن آدم‌ها- و به طبع آن فیلمنامه نویسان و نویسندگان- به دو گروه زن و مرد کاردرستی باشد (که شک دارم درست باشد) می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که با وجود تلاش فیلمنامه‌نویسان و طمأ فیلمسازان زن،در مجموع مردان همواره در سینمای ایران، بهترین فیلمنامه‌ها و فیلم‌ها را در زنان نوشته و ساخته‌اند. اگر مثالی لازم باشد می‌توان به بهرام بهمنی اشاره کرد،با این وجود فیلمنامه نویسان زن در کنار همکاران مردشان چه در مقام کارگردان و نویسنده فیلمنامه- موفقیت‌های زیادی داشته‌اند.مثلاًگلی ترقی به عنوان نویسنده فیلمنامه‌ای تا ساخته وزیر اداریش و همکار نویسنده نویس اداریش مهرجویی در فیلم «درخت گلایه»،خانان دو تا از بهترین فیلمنامه‌هایی بوده که دربارهٔ زنان نوشته شده است. با مهناز ضاربان که مهرجویی فیلم مانده گلایه(ایلا)را بر اساس داستانی از او ساخت. منیر فرجی هم فیلمنامه طنز کراخ را مشترکاً باغضیی نوشت و تقوایی کاغذی خط‌ا بر اساس فیلمنامه‌ای از او ساخت.

مثان دیگر رخشان بنی‌اعتماد است که فیلمنامه فیلم‌هایش را که بهترین فیلم‌های یک فیلمساز زن و جزو بهترین فیلم‌های پس از انقلاب هستند،با همکاری فیلمنامه‌نویسان مرد نوشته است. بنی‌اعتماد اثرکس و فریا فریدون جیرانی «در روسری آبی» و «زیر پوست شهر» را با فرید مصطفوی نوشت، در این میان باید به

## زندگی و



ساتار آغ‌صادیان

**گفت‌وگو با مرجان شیرمحمدی**

## زن نویسنده؛ زن بازیگر

بچه‌است؟

انتخاب این‌ها به واسطه گذشت ایام بوده و اینکه بهتر دیدم داستان‌های قیارتیم که بعضی‌هایشان (آن اولی‌ها) به نظرم بد بوده‌اند، کنار گذاشته شوند.

**دوره داستان‌نویسی هم مثل سینما و تئاتر دیده‌اید؟**

به هیچ وجه، من یک نویسنده غریبی هستم. کلاس نگذردم، ولی استاد داشتم. کشمی که در این سال‌ها کارشان را بسیار دوست داشتم مثل چوچوف یا مسکوی، فلوری و یا کارویر و حتی‌های چکر.

**از نویسندگها و کارگردان‌های ایرانی چهطور؟**

نویسندگان ایرانی مثل آقای کتیرا یا کتیر عمیق تر من دانشمند، ولی بعضی‌هایشان را دوست دارم مثل صادق هدایت، ابراهیم گلستان و از جمله‌ها سعیدمراسی حسابی.

**اصلاً به غیر از کتاب و نویسندگی، کس دیگری در روزنه کاری و حرفه‌ای شما دیده که از او تأثیر بگیرید؟**

تأثیرها آنکارا تأثیرمند. شاید مثلاً معلم کلاس اولم که زنی بود شیرین زبان و دوست داشتنی با مادرم که بعد از اولین روز دستان‌نویس کتاب داستان خرید، خوانده و خواند. و خواند و با مامرزنگم که قصه‌های پر رمز و راز و اساطیری‌ای داشت که گذاشته‌اند.

**این تأثیرها در زندگی‌تان بوده است. در کارتان چهطور؟**

اینها را همدیگر جا گذاشته‌اند. کار و زندگی زندگی و کار. مخصوصاً اگر کار تو خلاق باشد، مثلاً کاروو بیشتر داستان‌هایی را که در دوره ابتدایش به‌الکل نوشته، داستان‌هایی هستند در مورد آدم‌های کلکی که با یمنی خواهد کرد؟ کند یا یمنی‌نوانند.

**ترک کنند و نوشتن زمان نغزشان می‌کند.**

**تصمیم به نوشتن زمان نغزاند؟**

فکر نکنم به این زدگی‌ها چنین قصدی داشته باشم، داستان کوتاه و شعر تمام



بیشتر مجذوب می‌کنند. در هر دوی اینها یک جور فشرده‌گی در زبان هست که من دوست دارم. ضمن اینکه آدم جغولی هستم و دوست دارم نتیجه کارم را زود ببینم.

**در زمینه فیلمنامه چهطور؟ قبول دارید که اصلاً فیلمنامه‌نویس و البته فیلمنامه‌نویس زن پرچم‌زن**



**کارم در وی‌ایه، ویرایش فکری کردی**

این سؤالی است که در واقع باید از فیلمنامه‌نویسان پرسیده شود، ولی در همین حد

که من در این سال‌ها فیلمنامه‌هایی خوانده‌ام و فیلم‌هایی دیده‌ام، می‌شوکت باغرضی معتقد

از تمام کسانی که در این زمینه قلم می‌زنند، ما در زمینه فیلمنامه دچار ضعف هستیم.

دوختی و سینه‌زدختی. شاید هم این تلاش‌ها را لازم می‌داند، روزی نتیجه بدهد.

**پس به کلاس‌های نویسندگی هم اعتقاد ندارید؟**

کلاس‌های نویسندگی، به این معنا که تریک مثبت کاغذ بگذارد، زیربطل و بروی در یک کلاس کارگاهی شرکت کنی و فوایدش به صورت یک‌بندگی که بعداً

ندانی با آن فواید چه کار کنی یا آن فواید آن قدر دست و پابت را بندند که دیگر

نوشتنت نیاید، خوب اتفاقی ندادم، ولی در این آنگشتن که نویسنی یعنی همان سیه

مش‌های اول (را) و بعدش به کسی که این کار بلد باشد، و ضعف‌ها‌بت را که تو به واسطه زندگی‌ات به اثر و بی‌تجربگی‌ات دیده‌ای نوشتت دقت خوب است و باید باشد.

**پس یا این‌ها یا هیچ‌ها اگر خودت روزی نویسنده وزنگی شوی، هیچ وقت به عنوان استاد، کلاس نمی‌گذاری؟**

حالی خواهد که روزی مشکل نویسن را دعوت کردند گفتند، ما را زود داریم.

نوشتن جزئی‌ای‌ست، کلاس همین که رفت بالا گفتند، همه کسانی که می‌خوانند نویسنده بشوند دست‌هایشان را برنگه بالا. همه دست‌ها رفت بالا.

کسی اینجاب چه کار می‌کند بروید بنشینید جلوه‌ها، داستان‌ها را بنویسید، این را گفت و رفت پایین.



ساکت ادامه یافت و ناگهان محو شد. در در میان خطوط عمودی درخت‌ها وقتی دختران قوری از دست پلیس می‌گریختند (با) در یک خط عمودی) اسکیت‌سوارانی که از ابتدای صحنه صدای اسکیت‌سایان با طور دلپه‌وا امیزی روی تصویر شیده می‌شد، به صورت خطوط متقاطع افقی و عمودی از روی پرده عبور می‌کردند و حسی را فریبند که روی کاغذ در زمان نوشتن فیلمنامه هیچ اشاره‌ای به آن نشده بود یا نمی‌شد آن را خوب توصیف کرد، (همان‌طور که من نتوانستم).

تا براین به نظرم می‌رسد فیلمسازی مثل رخشان بنی‌اعتماد برخلاف مثلاً بهرام بهمنی که اهل قلم است و فیلمنامه‌هایش را با جزئیات کامل و توصیف‌های غنی آغزی می‌نویسد، در زمان نگارش فیلمنامه، تنها چیزی را می‌نویسد که اسکلت‌بندی لحنی است از آنچه که در ذهن دارد، این شیوه کار چندان در ایران مرسوم نیست و فیلمنامه‌نویسان سعی می‌کنند، فیلم از روی کاغذ هم جذاب و تماشایی باشد. با این معیار رخشان بنی‌اعتماد و همکاران فیلمنامه‌نویسنش در فیلم‌های او به هیچ وجه کار عجیب به نظر می‌رسد، که با ملودرامی آنکی و هندی روبه‌رو خواهیم شد. صحنه‌ای از فیلمنامه را خوب به خاطر دارم که مهراوه شریفی‌نا که از خانه فرار کرده بود پس از چند روز در حالی که آرایش غلیظی داشت نوری پارک با یاران کثرتی ملاقات می‌کرد و در پشت سرش عده‌ای و پسر هم‌سن و سالشان، که قاعدتاً آنها هم از خانه گریخته بودند بیاید دیده می‌شدند، این صحنه که همین جلاهم احتمالاً روی کاغذ بلد آدم می‌زند روی پرده تبدیل به شاه‌سکانه‌ی فیلم شده؛ صدای صحنه قبل (غروسی) در این صحنه سرد و









**بلکه از روی حقیقت آنجا که این قوم‌اند، همه نیستن تو خوندند.**
در **توحیده، وجود من و تو کی ماند؟ تا به مرد و زن چه رسد!**



**نذکرهٔ الاالیاء،**

عجب زنی است این رابعه عدویه، که شیخ شوریده نیشابور، در نذکرهٔ الاالیاء، شرح حال او را به قلم آورده.

میان آن همه مردان، در نذکرهٔ الاالیاء، به شرح حال و ذکر احوالشان پرداخته شده. این زن، جوانمردانه قد علم می‌کند. نوری می‌بخشد پر این محفل حال و صفًا که عطار برای ما فرامه آورده. میان این همه مرد مجیب می‌درخشد این وجود بگهر، و یکی از ویژگی‌های این زن عارفه، صراحت لهجه و حاضر جوابی و زندگانی در سوز و جواب‌پیشی و عطار نیز از قول هم‌عصران او نقل می‌کند که گفته: «عظیم شیبین زبانی».

و گفته، این زن که تنهای تنهاتست در نذکرهٔ الاالیاء، و در میان آن همه یاد کرده از مردان، شگفتی وجود و حضورش. عطار را به وجد آورده، که اگر بخوای شورا نیکوترین فضول نذکرهٔ الاالیاء را بر شماری، یکی ذکر اربوبس است و دیگری ذکر مستور حاج و بایزید و شیخ بسفامی. و این یکی که یاد کرده رابعه است. و عطار در شرح حال او به نوعی تلمیح رسیده و قلم به شوریده یکی و شاعر دیگری بر صیغه رانده است.(۱) و اصلاً یک‌زبانی از این دست که رابعه بود.

در تاریخ ادبی ما با همه تنهایی شان، عظمتی متکبر و شکفتگی یافته‌اند و مجیب تأثیر گذار بوده‌اند.

و عرفان رابعه عدویه، اولین زن در عرفانهٔ صوف و مثنوی دیگر اهل معرفت از او یاد شده. و اولین زن شاعر نیز، رابعه‌ای دیگر است. رابعه بنت کعب قزواری. او نیز عظمتی دارد در تأثیر گذاری در

میان آن همه شاعری که در قرن سوم و چهارم و پنجم سر اع دادیم. با آن شوریده یکی و عاشقانی جاناتانه اش. و مرگ عاشقانه اش. و سخن ماندگارش که از تاب‌ترین نغزهای عالم شعر دوره خراسانی است. این غزلش را می‌گویم:

عاشقی باز آلتند! آوردم به بند کوشش بسیار نادم سوختمند

تو سنی گرم تداختم همی

کز کشیدن کشیک گروه کشیده

و باز، آن زنی دیگر که یک لحظه به قلم

ابوالفضل بیهقی در تاریخ سمرقان فراز نشیب او، جوهره می‌نامد. مادر محسن که از می‌گویم که

«زنی بود سخت عجز آوره».

و بگهر و بنا تازیب لیسای پیکی «مضی»، که ابوالفضل بیهقی زبان روزگار گورگانی، «پهنی صمیم دارد و قارش و مستثنی. این بیت که مطلع غزلی از زینب‌البنات است کافی است تا آشنایان به صلابت کلام و قوام سخن، او را تحسین کنند؛ بشکند دستی که خم برگزین باروی نشد. و کوره به چشمتی که لذت گیریداری نشد»(۲)

و بنا تا پرتوین انحصامی با آن اعجاز شعرش:
در روزگار همچان‌هایی پس از مشروطه و دوره بیست ساله گک و تن و از دل آهل اهل و قلم و طوطیان زیاده‌فاسله می‌گردد. عجب‌ترین نکات فرهنگی و اجتماعی را باذقیری‌مان می‌کند. و می‌بینیم که بعضی‌ها برای نادیده گرفتن این عظمت تفرقیانه و پاکیزه دامان، به انکار شعر و



**سرسکذر**

## تنها یک زن

شاعری او می‌پردازند تا نظام کوچک و ناچیزی و حقارت خود را- به زعم خویش- از او گرفته باشند. و بعدها، آگاهی و زندگی آگاهی و مرگ آگاهی فروغ راحم به پونه فراموشی سپردند و او را فقط شاعر زنانه خواندند. در حالی که «ایمان بنارویم به آغاز فصل سرده، نوعی مرتبه بر این «سرزمین بی حاصل» و «دشت سترون» بود. و در عرصه شش‌طاق‌های نام خواهانه و جاه طلبانه، در اوج سال‌های بوی تند غفلی که از پول نفعت برمی‌خاست و بسیاری با آن بو گیج و متگ بودند، بر ما و رفتار «مردن زده» ما نشر زده که:

و هیچ کس نمی‌دانست که نام آن کی‌وتر عجبگین
کز قلب‌ها گر بخته ایمان است
به بتن سخن باز گردم که از رابعه گفتن بود.
در شرحی که عطار در فصل نهم نذکرهٔ الاالیاء از «آن سوخته عشق و اشتیاق، آن شفته قرب و احتراق» آورده. عاشقانی اش یکی دیگر از صفات ممتاز او است.

با بارها از قول حضرت مولی‌الموحیدین، وصف صیادت «علائمان خانق» و «ناجران طایع» و «عاشقان صادق»را شنیده‌ایم. و در نذکرهٔ الاالیاء، به چهار نوبت در همین یاد کرده رابعه. چنین



**رابعه عدویهٔ، اولین زن در عرفانهٔ صوفیه.**
**نذکرهٔ الاالیاء و مثنوی دیگر اهل معرفت از او یاد شده است**

مفهوم‌م‌ را از زبان وی می‌شنویم، یکی از آنها این است: «گفت خداوند! اگر تو را از خوف دوزخ می‌پرستم، در دوزخم بسوز. و اگر به امید بهشت می‌پرستم، بر من حرام گردان. و اگر از برای توست را می‌پرستم، جمال باقی از من دریغ مدار.»(۳)

و ما که با شعر زیسته‌ایم و از زبان شاعران حکمت آموخته‌ایم، خوب می‌دانیم که دستمایه عاشقانی «استقامت» است. و این یکی دیگر از صفات شاخص رابعه عدویه است در

نذکرهٔ الاالیاء. در نذکرهٔ الاالیاء، صفات برحسته هر یک از عارفان گاه به تأکید یاد شده. مالک دینار در ریاضت مذکور است. اربوس قرنی به عبادت. فقیل عیاض در روح و معرفت، حلاج به سکر و

مستی‌ شبلی به سحر و مستوری. سری سلفی به مروت و شفقت. و یکی دیگر به توال و آن یکی به ماجلهات و… و رابعه به «استقامت». و من فکر می‌کنم استقامت از صفات فطری زن است و از آن داری‌های مهم این نیست به مردان. «نخواستن» و «استقامت» برای آنچه عاشق را به معبود خود می‌رساند. در شخصیت رابعه عدویه، متشی چشمگیری است. که همه رنگ‌هایی که تعلق باید می‌آورند در زیر این گنبد گنبد، از همین آمده. تفرق و جدایی میان بنده و حق نیز باز از همین برخاسته. جابه‌جا در این یاد کرده عطار از رابعه با همین استقامت و نحواستن او دیده رویم. و می‌کنم ج‌ا می‌گوید: «که من بنده‌ام و بنده را به

آرزو چه کار». و جایی دیگر: «نقل است که یکی روز، چهار دم به کسی داد که: از برای من کلیمی بستان. گفت: سیاه یا سپید؟ در حال، دم باز ستد و در دجله انداخت و گفت: از کلیم ناخریده نفرتت باید! اینداید آمد که: سیاه باید یا سپید؟»

و این یکی دیگر، که ابهت استقامت او لرزه بر اندام می‌اندازد: «… صادق نیست در دعوی خود، هر که فراموش نکند الم زخم در مشاهده مغلوب خویش».

- 
- 
- 

چند سالی است که از خواندن خیلی چیزها که مرا مفتون صورت خود می‌خوانند و این بت «مرد» را در نظرم می‌آریند فاصله گرفته‌ام. مطالعات دلخواهم آثار یی است که مرا به جهان معنا و معنویت دعوت کنند. این است که بارها و بسیارها، بی ملاحظه تکرار و به اختیار، در شعر، دیوان اقبال را می‌خوانم و غزلیات شمس را و غزل معجزه و ابوالمعانی بیدل دهلوی را. و در نثر پاران همشنگی ام «اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید» است و «مقالات شمس» و همین نذکرهٔ الاالیاء، که از عجایب عالم معنا و معنویت است. و شب‌های بسیار را که به بازخواندن و دوباره خواندن و به تکرار خواندن نذکرهٔ الاالیاء، می‌گذرانم. سیرم در این جهان جان‌های ارجمند و روان‌های بی‌مانند، با بازخوانی ذکر رابعه عدویه، رسجهاله‌الله، روشنائی و شگوهی افزونتر می‌یابد.

**یا علی مده**

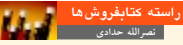
**پس نوشت:**

۱- البته و صد البته نباید از ذکر ابوسعید ابوالخیر، زندگانه تاریخ صوف و عرفان ایرانی - اسلامی در نذکرهٔ الاالیاء، غافل بود. اما یکی از احتیاذ او در قرن ششم یعنی محمد بن منوره، به کسبش در خود و کیفیت باسنه دریا به او حق مطلب را گزاده. و به همین دلیل ذکر ابوسعید در نذکرهٔ در مقایسه با «امر از خود» رنگ می‌یابد:
۲- و به قولی دیگر؛

کوز به چشمتی که لذت گیر دلداری نشد
که من همان مثل او را خوشتر دارم و بیشتر می‌پسنم.
رابعه «چشم» و ایدین را به میان کلام براننده تر است.

۳- هیچم می‌اید که به عنوان حاشیه و یادرفی دپی نوشت و همان این تعبیر، یاد می‌کنم از یک قطعهٔ شادروان مهدی اخوان ثالث (امید)با عنوان «خداوند!» که در مجموعه «و ای آقای کهن بوم و بر دوست دارم» آمده است. اگرچه این حاشیه قدری طول و تقصیل می‌یابد، اما به نقل کردن من و خواندن تو، «و بری آنکه آن مجموعه را خوانده، به دوباره و خواندنش - حتماً و تحقیقاً» می‌آرد. شعر و یادداشت مقدمه اخوان ثالث این‌هاست:
در ترجمه به شعر فارسی از کلام منسوب به امام علی بن ابیطالب (ع) که نظرهٔ بسیار زیبا و جسورانه آن را به عبارتی دیگر از رابعه عارفه و زاهد معروف قدیم هم شنیده‌ایم. کلام مشهور و بلند امام علی (ع) این است:
«الهی ما عبادک خوفاً من ناک و لأطمعافی جنتک، بل و بجدتک اهلاً للعبادة، فعبدتک…» من آن معنی را در وضعیت‌های به فارسی چنین سرودم:

خداوند! تو را هر چند بی شک
چو توفیق کند یاری برستم
دلی از شوق چشمهٔ بیخ من دوزخ
که دلیله هر دو را داری برستم
تا از پهن آن کالبد دوج عالم
پرستش را سزاواری برستم.



**راسته کتابفروش‌ها**

نشرالله حدادی

### کمال‌نشر



من نمی‌دانم چه تعداد نشر دیده‌اند. از نزدیکانم می‌کنند. و چه میزان از آن نشرین حاضر هستند. اما نام تعدادشان نشر کم نیست. و روزی در به رشاش را طی چند سال اخیر در این زمینه شاهده‌بودیم.

وادی نشر مثل بسیاری از مثقال دیگر، کم و بیش خوادگی و موروثی است و هشتند بسیاری از نشران زن که ادامه‌دهنده راه افراد خانواده خود، ام از هسز، پدر، مادر و… هستند.

به کار خودگی دارد. اما مسافت و پویایی از نکات بارز آن بوده و هست.

طیعت هر کاری، رفته رفته باید با روحیه انحصار مجبور درآید، و چنانچه علم طریق در کار باشد، موجب تزویر در انجام کار می‌شود.

طیعت روزنامه‌نگاری در جامعه ما بخصوص پس از دوم خرداد مصداق خوبی، نهر که گزیده‌فصل گنبد پادشاهی که خودنا در بح می‌آید است و عواطف و عواطف این حسنگاری به گفته هسز هم و بیشتر گویانگیر معنادی از روزنامه‌نگاران از آیدوست. سال ۱۹۸۷ بوده و هست. می‌گویند عالم روزنامه‌نگاری، محل اختیار است و چون نویسنده و روزنامه‌نگار هم می‌کند. عواطف است و خنوده چندان مغفول نیست، و نبداعواطف آن گریبانگیر آنان خیمه اعتداد است و نمی‌دود. ماهی‌های پس آید به ۱۹۸۷. شاعردیدم هسز یکی از دوستان روزنامه‌نگار با پیش او در تمامی امور مشترک داشت و پس از محکومت هسز، هدف حاشیه‌های را از راه او مشاهده کردم.

نیشاَن‌نشرالله حدادی، شاکلات با هر چه دوست‌شوره و مشک‌نادرگانه با زبان امام‌هسز، در کار نگه‌داری و نگه‌داری ارسه فرزند به مثال آن بود که امروزه نشر، شرایط دارد و دیدار غرباً همه روزه و مشورت و ارائه طریق از سوی سزوان مالنگری دیگری این زن فکافت بود.

بسیاری از دوستان، داوطب کمک و پاری نشند اما ایندیزرف: کم‌تلفی برخی از دوستان - که انتظار بیشتر از آنان می‌رفت - هیچ خطی در اداره این زن نباید نیاورد. او نظری به هر چاپ کتاب‌های همسرش داشت. اما با توجه به اوضاع و احوال برخی شانه زانو بر نهدات‌حالی کرده اما با چشم راه تویم و مشک‌بود. گروهی هسز مخاطب همه سال بود و خوشر آمده، ساخت‌نادر این راه‌انستلر و مشک‌هر حرفه اولیو معرفت کتاب منتشر سزاد و هم رفعت زندگی نگشاده، و از عهد هر دوبرخی می‌آمده و بر همه نازک‌ر بوند نشر را به کمال، انجام داد و به امسرای خود رساند.

هر چند نباید گفته گذارد، بی‌خود نیست که بافتل‌به به کمک او آمدند و به مصداق درحسان نظم کتابی آنان را پذیرفت ولی هرگز به زبان خود خواستار کمک و مساعدت نشد. چنان بی‌ش از عرفان کتابکی طی شش ماه و شش‌زد و بی‌سکانه، من «فصل» سال ۸۰ هجرت تازه و شگرتی به این زن فکافت دودو طی معلوم و رسایل‌های چند زیمان ازادی هسز تمامی امور زندگی‌خوشی به چرخش درآمد و حتی دختر به علوه شورت‌ها تا همه چیز عادی باشد. هر چند داماده نیز همچون پدرزنت اهله قلم‌وروزنامه بود و گزق‌فرای‌های خاص خود را داشت. در زادروز همسر او زند خلاصی یافته و چلب آنکه من و نده همچنان ایتال او را از کار نشر و کتاب است. چنانی قبل صدای آشنایی او از سوی نشن شنیدم. وقتی او امیر و پرویز رسید، تعجب کردم. ایده‌آلودانه، کذب بود و گزق‌فرای پیش آمده گفت: «گفته، من همچنان بگزار کارها هستم.»
اها این زن، با توجه به سنجیم گرفتاراف هسز در آن روزها برای من سرشک است. این مصداق عجب سنگ شکن می‌خواهد بود. هسز هرگز از یاد او که‌ها عاقل بود. و مستولت‌شورفری او است. به عنوان یک سمسرد در ابدان گزق‌گایان در عنوان یک کلان، با رشادت‌کارفرای‌های بی‌شنوان یک منسز و سزوان در سرانجام به عنوان یک انسان متعهد نسبت به جامعه خود.

**نشرالله حدادی**
شماره ۱۳۳۳ خرداد ۱۳۸۲

<sup>[1]</sup> در نذکرهٔ الاالیاء، به شرح حال و ذکر احوالشان پرداخته شده

<sup>[2]</sup> در تاریخ ادبی ما با همه تنهایی شان، عظمتی متکبر و شکفتگی یافته‌اند و مجیب تأثیر گذار بوده‌اند

<sup>[3]</sup> و عرفان رابعه عدویه، اولین زن در عرفانهٔ صوف و مثنوی دیگر اهل معرفت از او یاد شده

<sup>[4]</sup> و اولین زن شاعر نیز، رابعه‌ای دیگر است





## زبون و زبو

گفت وگو با دکتر فاطمه راكعي، شاعر

# از اولین شعر تا مادرانه ها

فاطمه راكعي متولد ۱۳۳۳ در یک خانواده فرهنگی در شهر زنجان است. تا کلامی پنجم دبستان در آن شهر درس خوانده بود. در ادامه همراه خانواده ساکن تهران شده و در مدرسه اسلامی امامه تحصیل داده است. دوره دبیرستان را در دبیرستان‌های «پرتابی» و «بسطامی» سپری کرده لیسانس مترجمی زبان انگلیسی را بعدها در مدرسه علمی ترجمه اخذ کرده همچنین فوق لیسانس زبان‌شناسی را از دانشگاه تهران و دکتری زبان‌شناسی را از دانشگاه بوستن و با ترجمه کتاب‌های از همان دوران دانشجویی فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی از دغدغه‌های اصلی وی بوده و در این راستا پایه‌های اصلی فعالیت‌های دوره‌های بعدی زندگی‌اش شکل گرفته است.

در بهار ۱۳۹۹ «سفر سوختن» اولین دفتر شعر فاطمه راكعي را مرکز نشر فرهنگی رجا، منتشر کرده است. انتشارات مؤسسه اطلاعات هم در سال ۲۲دومین کتاب شعری با عنوان «آواز گل سنگ» و همچنین کتاب «تورانه شعر» اثر «آلانی بوستن» را با ترجمه فاطمه راكعي منتشر کرده است. گزیده شعرهای این شاعر را نشر نیستان در سال ۱۳۷۸ در قالب گزیده دکترفاطمه راكعي در کتاب فعالیت‌های امی در عرصه سیاسی - اجتماعی نیز در این سال‌ها فعال بوده است. از سنت‌های اجرایی وی در سال‌های قبل می‌توان به تدریس در دانشگاههای تهران و اژهرا، معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء، معاونت آموزشی ووروشی دانشگاه آلفها و امیتا دانشگاه الزهراء و اشاره کرد. وی در حال حاضر فعال مدیوم دفتر شعر جوان و مدیرعامل انجمن شاعران ایران است. همچنین در عرصه سیاسی - اجتماعی در حال حاضر به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حضور دارد.

از این نماینده مجلس شورای اسلامی و شاعر، اخیراً دفتر شعر نازهای با عنوان «مادرانه‌ها» منتشر شده است. چاپ اول این کتاب با شمارگان ۳۱۰۰ نسخه توسط انتشارات مؤسسه اطلاعات در بهار ۱۳۸۲ صورت گرفته. به همین بهانه با فاطمه راكعي گفت‌وگویی انجام داده‌ام که با هم می‌خوانیم.

**خاتم راكعي**، از چه زمانی نگاه شما به قفوله شعر به عنوان یک دغدغه اصلی مطرح بوده؟

در دوره دانشجویی این مسأله برایم به عنوان یک دغدغه اصلی مطرح شد که بخوام آن را به صورت حرفه‌ای ادامه دهم. ولی پیشینه آن به سال‌ها قبل باز می‌گردد.

اگر می‌تکن از دور و دور زمینه‌هایی که باعث شکل‌گیری ذهنیت‌شاعرانه در شخصیت شما شده بیشتر توضیح دهید. ریشه‌های اصلی این قضیه به دوران کودکی من بر می‌گردد. به هر حال این چپ‌های بوم که از ۵ سالگی یاد می‌آید مسأله مرگ برایم بزرگی بوده و به صورت جدی به آن فکر می‌کردم و همین مسأله مرا به تفکر عمیق راجع به این قضیه در می‌انداخت. علاوه به ماجرای فلسفی از سال‌های دور در شخصیت من وجود داشت. در دوران دبیرستان فکر می‌کنم این موارد پررنگ‌تر شد، برای اینکه به چراهای بزرگ زندگی پاسخ دهم؛ چرا زندگی و چرا مرگ و این سؤال‌های بزرگ رهایی نمی‌کرد.

این سؤال‌های بزرگ به دردهای عمیق انسانی بر می‌گردد و سؤال‌های بی‌پاسخی است. اینها انگیزه‌های اولیه من بوده برای اکتدبیدن و روی آوردن به دنیای شعر که در ادامه به پیوستن به مسائل اجتماعی، فرهنگی سیاسی به طر جلدی منتهی شده است. اینها دغدغه‌های ذهنی آن سال‌های من بوده یعنی سال‌های آخر دبستان. یادم می‌آید در دوره ابتدایی رنگ‌انشا را بسیار دوست داشتم. دوست داشتم نویسیم، از موضوعات اجتماعی،

فقر و محلولیت آدم‌های پرامرئی که برایم مهم بود. از سال‌های آخر دبستان شروع کردم به شعر گفتن. بعضی از دبیران در آن سال‌ها تلویزیون می‌کردند. این سال‌ها با همان شور و حال سپری شد. دوره فوق لیسانس به با هنر و ادبیته آن روزگار قوت گرفت. هنرمندان و ادیبستانان بسیاری در آن دوران فعال بودند. البته آنشایی من با مغز همنر به صورت جدی از برخورد و آشنایی با هنرمندانی همچون قیصر امین پور، ساعد بشارتی، حمید عبدالملکیان و… بوده است.

**اولین شعرتان کی و کجا چاپ شد؟**

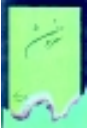
در همان زمان‌های اولی که به حوزه هنر و ادبیته اسلامی رفتم، اولین شعرم از طریق دست‌اندرکاران شعر همان جا چاپ شد. شعری با عنوان سینه سرخ‌ها که برای شهدای انقلاب اسلامی سروده بودم و بعدها در کتاب‌های سوره بتاریخ چاپ شد. (مجموعه کتاب‌های سوره از آثار ادبی هنرمندان حوزه هنر و ادبیته اسلامی به صورت جنگ‌های ماهانه و بعضاً گاهنامه منتشر می‌شد).

**اولین کتاب مستقل شما با عنوان «سفر سوختن» در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است. بیرومان این کتاب توضیحات لایم و بر شما میداد.**
**پن کتاب‌های شما شامل ۳۳ دفتر از سروده‌هایم از سال‌های ۶۸-۱۳۹۹ بوده که به صورت امام‌جهتیی (واقفیه شده است. قلب‌های شعری این کتاب بیشتر غزله مشغولی، قطعه و پنجه‌ریزه بود. جریان محوری که در آن دوره دنبال می‌کردیم جریان شعری معاصر و غزل نبود. این کتاب به عنوان یکی از آثاری که به این گرایش نزدیک بوده، به چاپ رسیده است. آن زمان بیشتر منتقدان از این شعرها به عنوان اشعاری شفاف یاد کردند که از پیچیدگی‌های آن‌چیزی برخوردار نبود. این شعرها بیشتر زبان و حلال و هوای ضمنی خودشان را داشتند و عافه سرشار از موق‌های اصلی آنها به‌شمار می‌رفت. همچنین سادگی و بعضاً گنگ‌های تازه.**

شعرهای این کتاب در گفت‌وگویی بر حسن‌های عام انسانی نیست به بقیه‌العارف موق‌تر بودند و از زبانی برخوردار بودند. کم می‌تواند با توده‌های مردم ارتباط نزدیکی‌تری داشته باشد.

**از نظر ظلمتی و حسی کدام دوم شما «آواز گل سنگ» تفاوت آشکاری با کتاب اول شما دارد. در این رابطه توضیح دهید؟**

قبول دارم این کتاب (آواز گل سنگ) با کتاب قبل‌ام از جهت‌های مختلف متفاوت است. این کتاب بیشتر شعرهای زمانه و دخترانه مرادری می‌گردد. با شعر «فرود دخترانه» شروع می‌شود و در آن اشعاری عاشقانه با عنوان آری میسم. ماجرای گرفته و نقدیه شده به دختران پرغرور نسل انقلاب که علیه غم عارف سرشار زنده، آگاهانه پاسدار



حرم‌های زنانه خودشان هستند.

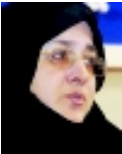
تنها وجه اشتراک آن با کتاب قبلی‌ام از نظر فرمی بوده که بازم باهمان تعریف غزل نو سازگاری بیشتری دارد.

**شما برای این کتاب چه تعریف خاصی قابل هستید؟**

ویژگی اصلی این کتاب از نظر من بیشتر از منظر محتوای آن بوده است. پرداختن خاص به مسائل زنانه و ایجاد مختلف شخصیت زنان و شخصیت پارادوکسی دختران و زنان مسلمان که در این کتاب به تصویر کشیده شده‌اند. لایح این شعرها از نظر خودم شعر «آواز گل سنگ» است. **خاتم راكعي**، برای ارائه نمونه اشعارتان به قسمتی از شعر «گلنگ» اشاره می‌فرمایید؟

بله. یاد می‌آورم، چه شب‌بین می‌شود گلنگ باشم/ می‌شود برهنه چون گل با دلی گلنگ باشم /هر رنگ یک ساز موزون، موج رقصان در رنگ خون آبا تو اما

می‌توانم ساز بدآهنگ باشم /لشظ آیم، پرلاطم، ماجرای در خودم گم. تا تو رازم را بخوانی، می‌توانم باشم



## قطعا در انتظار نقدای جدی شاعران و منتقدان معاصر در مورد کتاب هستم.

انجمن بزرگی است چنین، اما امی تا آناه احساس نخیلی، با تو بریزنگ باشم ای نه‌ام، یک‌رینگ، اما با ندام سادگی‌های خود چون باغی از گل با تو رنگارنگ باشم. اخرومی یاسم که از من بی‌تردد نظر هستی ایانو، اما یا تو، آری، می‌شود گلنگ باشم.

**بروده فعالیت‌های امی شما نشان می‌دهد که بین کتاب دوم و اثری جدی که بعدها منتشر کردید تفاوت‌های مهمی وجود دارد. این تغییر است. در مورد این موضوع می‌توانیم بیشتر صحبت کنیم. در مورد این موضوع می‌توانیم بیشتر صحبت کنیم. در مورد این موضوع می‌توانیم بیشتر صحبت کنیم.**

پس، درست است. مادرانه‌ها، بالاخر، ۱۰ساله بعد از انتشار «آواز گل سنگ» ارسال منتشر شد. در مورد «مادرانه‌ها» خودم حرف‌های زیادی دارم ولی دوست دارم حرف‌های رایج به این کتاب از زبان‌معرضت‌شان

و منتقدان اصلی این عرصه (شعر) بشنوند.

بخشی از مادرانه‌ها مربوط به فاشیات روسی است که خودم در دوران انقلاب اسلامی دانشم. در سال‌های پیروزی انقلاب در زمان معاصرت حضرت امام خمینی (ره) با عشقی که به شخصیت نظیم انسانی ایشان را بر عصر معاصر داشته و جسمانه‌هایی که در ارتباط با معماریات و مسائلی که به آنها عشق می‌بروزیم. در وج بی‌قراقرز از آن بود که در دوره غیر موسیقی حرف‌پزیم به نظم شعر فرایروم آهمنان است، چیزی

که خودم می‌آید به سرآغ آدمی، تهاکاری که مانجام می‌دهم ثبت آن موضوع است. آن روزها موضوعات مختلفی به ذهنم هجوم می‌آورد که بیشتر آنها موسیقیایی بود. خودم بسیار به سبید علاقه‌مندم و به عنوان زبان شعر امروز به طوری جدی به آن فکر می‌کنم. به طوری جدی فکر شعرهای من بیشتر حالت‌های موزون داشت. کتاب حاضر حاصل چنین دغدغه‌هایی است. یعنی در این کتاب اشعاری قابل‌های نو بسید نموده‌های بیشتری دارند. من بیشتر به این شعر حساس‌شتم چون محدودیت‌های قابیه می‌شود ویژگی‌های دیگر شعری در آن حضور پررنگتری داشته باشد.

این موردهای یاد شده از عمده ویژگی‌های کتاب «مادرانه‌ها» است.

**از نظر زبانی «مادرانه‌ها» حاصل چه دورانی است؟**

اشعار این کتاب در مقاطع مختلفی شکل گرفته است. من شخصاً ترجیح می‌دادم این کتاب با جمله چاپ نشود. این سری شعرها از قبل داشتم ولی چاپ بعد از یکمردم از بسیاری در گذشت مادرم، احساسات مشترک مادرانه و زنانه در روزهای پرستاری از مادرم و بعد از دوری از او به اوج خود رسیده بود و حس مشترگی که باز در فترات مادرم داشتم انگیزه‌ای شد برای جمع آوری و چاپ بعضی از شعرهایی که در سال‌های اخیر با این سوره کار کردم. یعنی با سوره مادرانه. همان‌طور که در مقدمه نوشتم ثبت یک سری حس‌های مادرانه و زنانه است البته با رویکردی تازه در فرم شعرها که نسبت به کارهای قبلی‌ام از تازگی لایم برخوردار است.

**تغییر رویکرد در فرم اشعارتان برای شما امر فریادی محسوب نمی‌شد؟**

البته برایم کمی مشکل بود. این یک ریسک محسوب می‌شود؛ اینکه بعد از سال‌ها که مردم مرا به عنوان یک ظن‌ساز و غزل‌پرداز می‌شناختند من پیام شعری در قالب نو و بسید ارائه دهم. یک مقداری وسواس به خرج می‌دادم، با خودم می‌گفتم: بعد از مدتی طولانی

که مجموعه‌ای را به چاپ نسیزیده‌ای احساس می‌کنی برای انتشار مجموعه جدید باید شهامت داشته باشی. این شهامت را البته اصرار توأم با لطف بعضی از دوستان به من می‌دهد که مدت‌هاست می‌خواهند شعرهای جدیدم را همراه برخی شعرهای قدیمی چاپ‌نشده بگردآوری و منتشر کنم. سرانجام با تشویق‌های بعضی از دوستان شاعر این مجموعه در آنجه خود نمی‌کردم این مجموعه مورد استقبال شاعران و دوست‌داران شعر معاصر قرار گرفت.

با توجه به برتری **حس‌های زنانه** در این کتاب، استقبال قشر زنان از این کتاب چگونه بوده است؟

گفتم این یک امر طبیعی است که این کتاب چاپ‌نشتر زنان مورد توجه قرار گیرد، البته به نظر خودم

به خاطر برخورداری از حس‌های مشترک زنانه بیشتر مورد استقبال زنان جامعه قرار گرفت.

**این کتاب از نظر فرم و محتوا از چه جایگاهی برخوردار است؟**

مدتی بعد از چاپ که زمان کمی را شامل می‌شد

از زبان شاعران می‌شنیدیم که اولاً این شعرها کاملاً سبک و سیاق خاص و مستقل خودشان را دارند و

موضوعاتی که به آنها پرداخته شده، با یک دید زیان‌شاعرانه و مستقل و با یک زبان امروزی سروده شده و

به قول بعضی از دوستان شاعر و منتقد لحظه‌های غافلگیرانه در این شعرها زیاد است. با این همه من قطعاً در انتظار نقدهای جدی شاعران و منتقدان معاصر

در مورد این کتاب هستم.

شماره ۱۳۳ شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۸۲ ۱۹



### زکات و وکای

سایر مخدئی

**خاتم میرمعزی**، حوزۀ مورد علاقه شما کیجاست؟ چون در کارنامه شما هم ترجمه **رمان هست**، هم ترجمه **طنز**، هم **روانشناسی** و **آثار سیاسی** و... در زمینه **رمان** هم از **نویسندگان مختلف ترجمه می‌کنید**، به ادبیات **نوجوانان** هم **می‌پردازید**.

پیشینه، ترجمه‌های من در این اواخر اکثر وقت کرده باشید، به سمت یک یک نظم منطقی پیش می‌رود. یعنی اولین کتاب من ترجمه یک کتاب روانشناسی بود بعد ترجمه گرافیک معنوفه برشت بود که به اسم «از برشت می‌گویم» توسط نشر آگاتا به بازار آمد. کتاب طنز امیرخوین پیرس راهم آقای نیوی به من پیشنهاد داده بود. البته ترجمه‌های من هم رمان‌های نویسندگان مختلف است. الان تنها کتاب‌هایی را ترجمه می‌کنم که در حوزه ادبیات داستانی و رمان جای بگیرند و نویسندگان آنها آلمانی باشند. البته به سبب آغاز آثار ایتالیا همران همه و نویسندگان بسیار معروف که اغلب آثارشان ترجمه شده، نمی‌روم. چون معتمد اثری که ترجمه شده، نباید به سرافش رفت. من فکر می‌کنم حوزه ادبیات آفتقر گذشته است و آفتقر نویسندگان خوب در دنیا زیادند که ضرورتی ندارد مترجمی آرزوی صرف کند فقط به خاطر اینکه به مترجمی دیگر ثابت کند که ترجمه بهتری از ترجمه او ارائه داده است.

**به نظر می‌رسد از بین رمان‌هایی که ترجمه کرده‌اید، رمان «و آنچه گریه کرده» مهترین و بهترین است.**

بله، واقعاً همین طور است. سنگین ترین رمانی بود که تا به حال ترجمه کرده‌ام. موضوع جالبی را برایتان بگویم، یکی از خوانندگان ترجمه‌های من خاتم روانپزشکی است. فرستادم که آیا یکی از دوستانم در آریژان است، موهفی که این رمان ترجمه و منتشر شده، دوستی روانپزشک در دانشگاه استنفورد اشاره می‌کرد که نویسنده این کتاب و همکارش در آن دانشگاه است.

این دوست روانپزشک ساکن آمریکا به همکار روانپزشک خود در شمال آکاید می‌کرد که این رمان را حتماً بخواند. حالا که به فارسی ترجمه شده این دوست، رمان را خوانده و برای نویسنده‌اش یک



خاتم میرمعزی، مترجم رمان‌های متعدد

نسخه به دانشگاه استنفورد فرستاده است. **جذآبیت‌های پنهان این رمان چیست** که **ایفقدر برای شما اهمیت دارد** که **با تمام سختی‌ها ترجمه آن را پذیرفته‌اید؟**

نیچه برای همه کسانی که با آثار جدی سرو کار دارند و اهل مطالعه هستند، چهره‌ای شناخته شده است و داستان زندگی‌اش همه را به کنجکاوی وامی‌دارد. می‌دانید که نیچه سرنوشت عجیب و غریب داشت.

این رمان بر اساس واقعیت‌هایی از زندگی نیچه شکل گرفت، مثل این است که فونداسیون ساختمانی



را بنا کنید و ادامه‌اش را دور یا بسازید. زمان در این اثر اواخر قرن نوزدهم است. نیچه دچار آن بیماری‌ها می‌شود و زخمی وارد زندگی‌اش می‌شود به اسم لوسالومه که این مسائل از اوکتی‌های رمان است. دکتری هست به اسم پورته که استادفرید بوده و در آغاز روانشناسی عددهای مشغول تحقیق هستند و هنوز استفاده بر این است که برای روان داری وجود ندارد. دکتر بروتر همسر به اسم مایبلده دارد که هم چون واقعی است. لوسالومه نزد دکتر بروتر می‌رود و می‌گوید، «باید فلسفه جهان در خطر است و شما باید به نیچه کمک کنید». داستان از همین جا شروع می‌شود، بخشی از رمان واقعی است و بخشی هم بر اساس تخیل نویسنده شکل گرفته است.

**این رمان گویا در ایران آن بازیابی را که لازم‌اش بود پیدا نکرد...**

کدام رمان خوب در ایران بازتاب واقعی پیدا

**گفت و گو با مہشبد میرمعزی**

## مترجم بهتر یا نویسنده‌ای متوسط

**«ونچه گریه کرده»** رمانی از ابرین بلوم، «چون وبامری» از اوتو آ. بویر و «ادیاب‌المعارف شیطان» از امیرخوین پیرس عناوین بخشی از آثاری است که با ترجمه مهشبد میرمعزی در سال‌های اخیر به بازار آمد. میرمعزی متولد ۱۳۳۱ قزوین هشت سال از دوران تحصیل خود را در آلمان سپری کرده و کتاب «دختران هانا» و «زنان هیلتر» را نیز در کارنامه‌اش دارد.

**«وصیت‌نامه آقای رودلف»** «اتاق دکستکار» و «یادداشت‌های فرانتس» با ترجمه وی طی آینه ماهه به بازار می‌آید.

می‌کنند؟ جز آثار نویسندگان عامه‌پسند و آثاری که... شما دلیل این امر را در چه می‌دانید؟ من فکر می‌کنم بخشی از این مسأله مربوط به تبلیغات است. البته رمان‌هایی چون «و نیچه گریه کرده رمان‌های سختی هستند.

بله، نبود منتقد خوب هم یکی از مشکلات است. منتقدی که نقد خوب نویسنده در گرایش جامعه به سمت آن کتاب تأثیر می‌گذارد. من از نقد شدن آثار خیلی خوشحال می‌شوم. من برای انتقد همیشه آماده‌گی پذیرش را دارم. برای من آنقدر نمی‌کند اگر انتقادی می‌شود باشد، کسی اینکه فکر می‌کند اما اگر نقد علمي و درست باشد به مترجم و نویسنده کمک بسیاری است تا در کارهای بعدی این موارد را لحاظ کنند. الان آثاری که در بازار کتاب هست، اغلب آثار سنگین است. رمان‌و دو نیچه گریه کرده، چون همین طغف است و ذهن خواننده را با متن دیگری می‌کند مردم هم آفتقر مشغله فکری و گرفتاری‌های زندگی دارند که دوست دارند رمان‌های ساده و راحت بخوانند. در عین حال رمانی مثل دختران هانا، رمانی بسیار خوب است که به چندین زبان ترجمه شده و فروش خوبی هم در ایران داشت. اگر از این رمان‌ها تعریف می‌کنم به خاطر این است که من نویسنده‌اش نیستم. وقتی کسی این رمان را می‌خواند درگیرش می‌شود.

**«زنان هیلتر»** که **رمان نبود چطور به سراع ترجمه این کتاب رفتید؟**

برنامه‌ای در تلوویزیون آلمان پیرامون «زنان هیلتر» بخش شده که برنامه‌ای مستند هم بود. این کتاب داستان زندگی سیزده زن است که در زندگی و به قدرت رسیدن ریمان هیلتر نقش داشتند.به قدری این برنامه تلویزیونی مباحث تأثیر فرار داد که من محض انتشار کتاب. آن را برای ترجمه، نیمه کردم. در مجموع خودم به تاریخ آلمان بزویه در منقطع جنگ جهانی دوم بسیار علاقه‌مندم. کما اینکه رمان هشت در آنش «آبویس» را که به جنگ جهانی هم بر می‌گردد، به همین خاطر ترجمه کردم. رمان «وصیت‌نامه آقای رودلف» هم به شکلی به جنگ جهانی ارتباط پیدا



می‌کند.

**در انتخاب یک کتاب برای ترجمه چه فرآیندی را طی می‌کنید؟ یعنی ملاک گزینش این آثار چیست؟** زمانی که در آلمان باشم، کتابفروشی‌هایی که نزدیک محل زندگی‌ام هست، کارواندازش مرا می‌شناسند و با موضوعات مورد علاقه‌ام آشنا هستند و به همین جهت در هر مراجعه یک سسته کتاب برای من کنار می‌گذارند که من از میان آنها کتاب‌های مورد نظر را انتخاب می‌کنم. من آثاری را انتخاب می‌کنم که هنگام ترجمه نیازشوم از هر صد صفحه، پنجاه صفحه‌اش را حذف کند. انگیزه رمان‌های الان خیلی زیاد شده. رمان‌هایی که هر گزیده نالوشکنی را جزئی می‌دانند. آن وقت این رمان‌ها در ترجمه تبدیل می‌شوند به تشریح یال و دم و انگشم می‌شود. به نظر من رمان باید در عین سرصداهنگام انتشار، مورد توجه منتقدان هم باشد. رمان اجنوب واملاری، هم هنگام انتشار در آلمان خیلی سرصداکر اما رمان سنگینی هم هست. غیر از این هم کتابفروشی‌های آمازون در اینترنت، اسامی و خلاصه آثار منتشر شده را به نشانی من می‌فرستد و از میان آنها هم برای ترجمه کتابی را انتخاب می‌کنم. در انتخاب کتاب‌ها خیلی سختگیرم. **شما که از نویسندگان مختلف ترجمه می‌کنید، برای پیدا کردن زبان مناسب هر اثر چه شیوه‌هایی را به کار می‌گیرید؟**

قبل از هر چیز رمان را برای خودم می‌خوانم و در حال خواندن فرض را براین می‌گذارم که مشغول ترجمه‌ام. از همان جمله اول با خودم این کلتجر را دارم که آیا توانایی برگرداندن و پیدا کردن زبان مناسب یا آن اثر را دارم. البته هنوز این اتفاق نیفاده که به سراغ کتابی بروم اما از پس ترجمه‌اش برنایم. هرچند ترجمه رمان «و نیچه گریه کرده» کاری بسیار مشکل بود.

**آیا در انتخاب آثار برای ترجمه، به فرم و به سوغ‌هایی که در عرصه ادبیات پدید می‌آید، توجه دارید؟**

من یک کتاب از مجموعه داستان‌هایی ترجمه کردم که این داستان‌ها مربوط به سبلیقه‌ای بود که از آن داستان‌ها سه داستان به سبلیقه خودم انتخاب کردم و سه داستان هم که در آن رقابت مقام اول تا سوم را به دست آورنده، برگزیدم و این شش داستان را ترجمه کردم. این نویسندگان اغلب از نسل جدید نویسندگان آلمان بودند و بیشتر آنها هم داستان‌های پست مدرن می‌نویسند. مثلاً یکی از داستان‌ها که هشت صفحه بود اصلاً نقطه نداشت. فقط با بیزرگون ادامه پیدا می‌کرد. من از داستان‌های پست مدرن خوشم نمی‌آید. با چه زبری این داستان‌ها را ترجمه کردم و برای چاپ به بیج نامزدی نسیردم. من آثاری را که به سبیه کاتلیکت نوشته می‌شوند، ترجیح می‌دم.

شکل‌های جدید داستان‌نویسی هم برآرم جلب است. یعنی این هسته از آثار را هم ترجمه می‌کنند. البته نمونه‌اش همین رمان «وصیت‌نامه آقای رودلف» است که بزودی به بازار می‌آید. کلاً آثاری را ترجمه می‌کنم که هنگام ترجمه حوصله‌ام تنگ سرود و با سبلیقه من هم محخوانی داشته باشد. ضمن اینکه درآمد خوبی نداشته باشد. مسائل ضد اخلاقی نداشته باشد. من دوست ندارم نابوها در جامعه ندکشته شود. الان در غرب چه کنند؟ یک سری نابوها و اجلاجات جامعه که بخش اعظم جامعه به آن اعتراض می‌گذارند، نباید با استقبال از ادبیات شکسته شود. **منبع: wttw Parents**



ما می‌توانیم برای بچه‌هایمان کارهای زندگی انجام دهیم. کارهایی که سخت نیست، اما شاید به چشم نداشتن عادت کرده‌ایم. شاید عادت کرده‌ایم، ندامت با بچه‌ها کتاب بخوانیم، امیدوارم این مقاله به شما کمک کند، پدرها و مادرها!

#### مطالعه با فرزندان و شکردهای مفید

پدرها و مادرها! برای بچه‌ها یا صدای بلند کتاب بخوانید. این یکی از کارهای مفید و لذت‌بخشی است که شما می‌توانید انجام دهید. لذت بخواند را در خواندن داستان شرکت دهید تا بتوانید همراه فرزندان از

وقت و تنهای مناسبی را برای مطالعه همراه فرزندان انتخاب کنید. موقع خواب وقت مناسبی است، اما ساعت‌های دیگر روز را هم از دست ندهید! موقعی که ساعت خاصی را برای مطالعه با فرزندان اختصاص می‌دهید، آن وقت ارزش خاصی را این همه ساعت‌ها در روز پیدا می‌کند.

کتاب را به بچه‌ها معرفی کنید، جلد کتاب را به بچه‌ها نشان دهید و اسمش را بخوانید. صفحات کتاب را ورق بزنید و طرح‌ها را نشانان دهید. از آنها پرسید که فکر می‌کنند موضوع کتاب چیست. و وقتی کتاب را برایشان می‌خوانید درباره تصاویر صحبت کنید و مادرها!اااا بتویسم استفاده کنید. کلمات را با قدرت بیان کنید و داستان را بازن کنید. با حرکات صورت و بدناتان حسن شخصیت‌ها را دوباره بسازید.

#### کتاب ۱۳۳۷، شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵



## زند و ژانر

حسین بلایان

**گفت و گو با سیلا فرجام فر**

# جنگ و حقیقت مستور



زمانی که شما از آیدان فراری می‌گیرید در معرض خودآبادیوم و تا امروز حتی صورت نمی‌گیرم که در شهر چنین اتفاقی واقع شده باشد.

**روایت زتانه جنگ چه ویژگی‌های دارد؟**

اول از همه اینکه ما عادت کردیم قصه‌ها را از مادرانمان بشنویم. دوم اینکه زنان با زندگی ارتباط بیشتری دارند. همیشه در نشاندادن اسطوره‌ها زندگی بازن پیوند حقیقی دارد و حالا در جنگ که با زندگی در تضاد است، این ارتباط پررنگ‌تر می‌شود.

سرم اینکه زن‌ها معمولاً همه حوادث زن را زیر کاری‌هایش می‌بندند و فاشد و می‌سوزاند و بی‌شعوری در نوشتن آن‌ها کمر می‌کنند.

**همسران جوان این کتاب چه نظری هستند؟**

از بعضی احساس‌های من تعجب می‌کرد و با تزیید می‌پرسید آیا واقعاً خود در آن آرام نیستم احساس‌های دانش‌النه دیگران هم همین طور، مثلاً برادرم.

حرف‌های در کتاب هست که می‌بوط می‌شود به یک شب تاریک در پایگاه وحدتی و ما مجبور بودیم با یک آمولاش به دفتر برویم. همسر و یکی از همکاران ما که آلان به همراه خانواده‌اش در آلمان ساکن هستند، فاصله پنج کیلومتری بین پایگاه و شهر را طی می‌آیولاش می‌بودند تا جاده را به‌رنگه نشان دهند. همیشه می‌وقتی این جاده را می‌گذرد کتاب را دست نگار گذاشت و بعد گفت: رفتی ما بطور آن‌قت چنین کتابی در جنگ که کتاب را خواندم بود ما بن تماس گرفتیم گفت به در

سرگردانی کشتن‌های این زن درست نیم ساعت قبل از ظهر روز سرام شهریور سال ۱۳۴۹ آغاز می‌شود و ادامه پیدا می‌کند تا دو سال بعد.

سه‌یلا فرجام‌فر برسناری است که با تعجب دشمن خانه و کاشانه‌اش ویران می‌شود او که اهل آنتیشک است، چه‌جا را به مادر و پدرش می‌سپارد و در کنار همسرش مشغول انجام وظیفه می‌شود و حالا بعد از ایست و چند سال از تشنه است تا از جنگ ویران کند. روایتی که رنگ و بوی زنانه دارد و مشق داده‌اند. روایتی که در آن می‌خواندگارانی‌های یک زن ایرانی را لمس کرد.
**افکاش‌های سرگردان خاطره آدم‌هایی است که جنگ فرست ما را از آنها گرفته است. روایت استانی است که با از دست دادن هر فرصت، موقعیت جدیدی پیدا می‌کنند تا نگاه دورب‌های به زندگی داشته باشند.**
**با خاتم فرجام‌فر گفت‌وگویی داشتیم که در نهایت مثل کتابش صادق و صمیمی از آدم‌ها و در این بهترین حرف‌های است که گفتن و شنیدن و البته توصیف مستط کنیم**

**آیا روایت جنگ زتانه و پرده‌ها دارد؟**

یک بخش از جنگ مهم‌است. جنگ زتانه و پرده‌ها ندارد. اما کیبرد روایت جنگ در این‌ام‌ها زندگی‌است. جنگ‌ها همیشه مسائل نظامی و نظامی‌های این‌ام‌ها نیست. جنگ‌ها در مردم برای مخاطب‌ام‌روی که به نظر من جوان‌است. جنگ را روایت کنیم. این از اضافه کند که به نظر من کتابخوان‌های حرف‌های خاتمه‌ها هستند. در نمایشگاه کتاب هم می‌دیدیم که دختر خاتمه‌ها بیشتر خرید می‌کنند. خیلی برای این دختر روایتی را تک‌تمام کرد. تا فردا که لو‌م‌فرد. شب‌های سل آن‌ها داستان‌های جنگ را تکرار کند.

به یک‌نکته هم می‌خواه اشاره کنم که یکی از فرودگاه‌های جنگ که کتاب را خواندم بود ما بن تماس گرفتیم گفت به در



## زند و ژانر

فاطمه حق پرست

**گفت و گو با ماه منیر کعباسی، داستان نویس**

## دو سوی جنگ

ماه منیر کعباسی به سال ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد. داستان‌نویسی را از سال ۱۳۷۲ در حوزه هنری شروع کرد و اولین اثرش «واج پرواز» در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسید و مجموعه داستان «جنگ کلاه پهلوپارانچ» به سال ۱۳۷۸ منتشر شد و داستان بلند «مهربانم سلام» در آخرین روزهای سال ۱۳۸۱ به چاپ رسید. «گاهی دلم برای مردم تنگ می‌شود مجموعه داستان بعدی اوست که انتشارات سپهر مهر چاپش را به عهده گرفته است. به انگیزه انتشار «مهربانم سلام» با وی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که با هم می‌خوانیم:

**نوشتن را چند سال است که شروع کرده‌اید؟**

نوشتن را می‌توانستار خیلی پیش شروع کرده بودم. همه ما می‌تسیم اما چگونگی نوشتن را از وقتی که «واج پرواز» را نوشتم.

**آنچه که نوشتن به شما می‌دهد چیست؟**

آرامش و تخلیه روحی. بعد از تمام هر داستان می‌دانم هدف کیم تعهد را نسبت به آدم‌های قصه‌ام که در واقع همان آدم‌های جامعه‌ام هستند به انجام رساندنام.

**دست شما از نوشتن چیست؟**

بیش لحظه‌ها و لذیبه‌ها و تجربه‌های ناب زندگی نشان دادن زخم‌ها و پیدا کردن دردها.

**به عنوان یک نویسنده زن چرا جنگ؟**

من از همه اجزای زندگی می‌نویسم. جنگ، عشق، مرگ، درد و...

**ولی دو تا از کتاب‌های شما «واج پرواز» و «مهربانم سلام» از جنگ می‌گفتند.**

بله، اما هر کدام از زاویه‌ای متفاوت به جنگ نگاه می‌کردند. در «واج پرواز» جنگ بیشتر زنیهای ما بوده یعنی صدمات عاطفی و ایثار. اما «مهربانم سلام» معضلات پس از جنگ، مستطیت آدم‌هستند.

**را‌انجام دادید؟**

**آیا حالا دوباره که کتاب را می‌خوانید احساس کمبودی می‌کنید؟**
قبل از احساس کمبود لازم است بگویم که من نسبت به چاپ کتاب به دوستانی که در کار نشر کتاب بودند اعتراض داشتم. چون بخش‌هایی از دست‌نوشته‌های من حذف شده بود. اتفاقاً من وری آن بخش‌ها تأکید داشتم چون اختلاف فرهنگی چه‌های خوب و نهان را نشان دانه بودم. نمی‌توانم بچران این بخش‌ها حذف شده‌است و البته احساس کمبود هم در کار خوان‌ان است. زمانی که داشتم خاطرم را می‌نوشتم کمی دوست و ملوم در کار نوشتن می‌گزیدم اما امروز احساس می‌کنم بسیاری از حرف‌ها جا می‌گفتن تازه و مهم‌شان جای آنها جانی است.

شاید به همین خاطر هم آلان مشغول نوشتن داستان‌های شریفه و شاکر هستیم. داستان یک دختر ۸ساله و برادر ۱۲ساله‌اش که در جنگ بزرگ می‌شوند. البته نه در نظر شناسنامه‌ی.

**بهترین نظری که درباره کتابتان از دیگران شنیده‌اید چه بود؟**

من می‌دانم کار کتابکال‌های زیادی دارد اما همه کشش‌ی که آن‌را خوانده‌اند. روایت‌هاست کتاب و به قول آنها زبان خوشم‌این را بسته‌شده بودند. من هم دوست داشتم که دیگران از خواندن کتاب‌ها همین حس را بگیرند.

راشتن خودم خیلی دوست دارم که دختر خاتمه‌ها خوانندگان اصلی‌ت‌کلیم باشد و یک موضوع مهم دیگر هم که دوست دارم بگویم شوخ سوالات است. کشش‌ی که کتاب را می‌خواندند و یا خاطر می‌ت‌ار می‌شود. سوالاتی می‌پرسند که برای جاب‌آبی است. می‌تیم که هر کس از زاویه خاصی این حرف‌ها گوش می‌دهد.

**و آخرین حرف که باید گفته شود؟**

همه تلاشم را کردم تا اولین روزی که آم‌هاش و برای زندگی کسی که ناموستم در جنگ آغاز گرفته است و در میانه جنگ‌ها البته دوست داشتم که در همه جا کرم‌کن صادق باشم. به هر چه را دیده‌است بدون کم و کاست بازگو می‌کنند.



## زند و ژانر

مهناز قاضی آبادی

## استنادات

**بامعصومه نفی پور**کرمانزاده مجموعه تاریخچه نشتان در ایران

عالم معصومه نفی پور از شکل‌گیری این مجموعه بگوید: «در سال ۱۳۳۶ یکی از هم‌دستان تاریخ به خاطر بیماری فرزندش مجبور به مهاجرت از ایران بود. چونچه که می‌خواست تمام وسایلش را ببرد، اما به پاسیاری از مدارک و اسنادی را که داشت بسوزاند.

من با خط‌های این مجموعه را از او گرفتم و هر چه بیشتر یادم جایی کارشستی ندادم.

**عوامل**
**فقدان تاریخ نگاری در نثار ایران را چه می‌نماید؟**

حرفه نامیلان اولیاظفوم است. گذشته از سوزولان که در هر زمانی دست‌نگاه‌های خاصی خودش را داشته‌اند، این حرفه توانایی مردم ما نیز هیچ‌گاه از بین نرفته است. اما در ضمن زمان نیز باید نگار بود. مثلاً اکثر اسنادی که در نثار عقمان و جامعه یاریده بوده از بین رفته. همچنین آثار در لاله‌زار، بارها مفقود و بازگشتنی شده که در این بین نوشته‌شدن اسناد نشان سابق‌ها از بین رفته است.

**چه مدت بعد از شروع پژوهش، تصمیم به چاپ این کتابها گرفتید؟**

از همان حرفه دهه ۶۰ به این عقبه فکر کردم اما وقتی به مرکز فرهنگی نمایش بینشده دادم کسی من را به عنوان معصومه نفی پور که یک بازیگر نثار است عادی این عقبه کند.

**از حلقه‌هایی که در روند کارتان کشش می‌ده بگوید.**
مهمترین مسأله‌ای که برای من وجود داشت نقد نثار تعلیمات ماروم. ما هیچ وقت نمی‌توسیم وجود واقعه، نثار ایران در نظر بگیریم. در مورد این آدم‌ها اسناد بسیار کمی وجود دارد. با وجود افرادی مثل آسینه فستیان یا مولو کی‌نوستینی که اصلاً کشش می‌پرد...

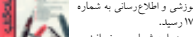
گفتم‌ها می‌در زدنشی ما در دید پژوه و تجربه‌ای نداشتیم و از تاریخ‌ها با ذهن‌های ما بخشی از مجموعه آقای حفرانی است که نمایشنامه‌های تک براری باگان و نظیرالدینی را به همراه خود دارد. فقط افرادی‌ام با وجود بحران مخاطب کتاب‌های نثار، چون این مجموعه با سرمایه شخصی اشتراکات داشته‌ام. به‌توجه چاپ می‌شود به شکست بنجامد تا قدمی باشد در روند گزارش تاریخ کم شده. نثار ایران.

## رسانه‌ها

## جهان کتاب



جهان کتاب، ماهنامه خبری، آموزشی و اطلاع‌رسانی به شماره ۱۷۲ رسید.



در این شماره می‌خوانید:

به هر حال خوب یا بد، این

دنیایی تازه است «درباره کتاب

«عصر اطلاعات اقتصاد، باعمه و

فرهنگ مائولان کشتار» فرخ افیر

فریاد استعجاله قیس به قیصر (نقدی برمان اسلوک /

محمود دولت‌آبادی)» عتابت میمنی /

درباره کتاب اسپس از امیرانوری: بررسی تکنیز نظام

آمریکایی‌امائولان تودا /

علی‌قلی سلمندی: یکنیز دوم

با کشیمیه کتابت سیاه کمونسیم /

درباره کتاب اباد

گفته را به زبانه دانی بینادزیم /

استفان کورتوا و دیگران /

رودنن وزیری: کششیر و در امور (احمد

اخوت کششیر کتابت: جغرافیا و فناوری‌های نوین /

فیلب آلت یک‌آناظره اسماعیل‌ها(ده) /...

## ویژنه نامه فرهنگ پایداری

ویژنه‌نامه فرهنگ پایداری منتشر می‌شود.

هنر، نظامی و... به چاپش کشیده شده است.

میزگرد اسپس میمنی فرهنگ دفاع مقدس، گفت‌وگو

با فرماندهان ارشد دفاع مقدس، تحلیل و بررسی آثار هنری

هفت سال دفاع مقدس: بررسی تلایان آفاق جنگ‌های

و—از دیگر موضوعات مطرح شده در این ویژه‌نامه

باشند. مطالعه فرهنگ پایداری میسر می‌شود فقط اگر ارزش‌های

دفاع مقدس و به سرگیری ابرام‌ترگ‌ی منتشر می‌شود.

<b>یادداشت</b>
<div><div><span><span></span></span></div><div><div>مجید آل ابراهیم</div></div></div>

## آبروی ما

برای اولین بار بود که به ایران می‌آمد یا ایثانی پر از بدبینی نسبت به ایران و جامعه ایرانی که حاصل تبلیغات گسترده رسانه‌ها بود.

باور نمی‌کرد، تعجب می‌کرد و سؤال پشت سؤال بود که از هر کسی می‌پرید و مانند آلین در سرزمین عجایب به هر جایی که می‌نوشت، سرم می‌زد. در نهایت برای اینکه پس از بازگشت مهتم به خیالیابی نباشد پشت سرم فیلم و عکس می‌گرفت و هنگامی که در حال غزیمت بود باز هم با ناباوری به اطراف خود نگاه می‌کرد و شاید در دل آرزو می‌کرد که کل سفرش روبا نباشد.

پس از بازگشتش گزارش سفرش یا شاید سفرنامه‌اش را در یک مجله معتبر چاپ کرد و پس از آن با علاقه فراوان هم دیده‌هایش و هم تفسیرهای آن را در یک سایت اینترنتی منتشر کرد.

لکنه چالاب در این سفرنامه اظهار تعجب او را فعالیت اجتماعی و علمی دختران و زنان ایران بود و این لکنه‌ای بود که بیشتر از هر چیزی توجه او را جلب کرده بود. وقتی متوجه شد که تعداد زنان قبول شده در کنکور سراسری دانشگاه‌هایش از مردان است و وقتی فهمید که تعداد زنانی که در دانشگاهها و پژوهشکده‌ها همدوش مردان و حتی گاهی جولوثر از آنها به تحقیق و تفحص مشغولند بسیار بیشتر از بعضی از کشورهایی است که داعیه فرهنگ دارند آن رایه عنوان یکی از عجایب قرن حاضر در نوشته‌هایش متعکس کرد.

همه این حرف‌ها را گفتم تا به اینجا برم که همین دوست مسافر برای نوشتن مقاله‌ای دیگر از من خواست تا تعدادی زنان مشهور و دانشمند کشور ما را به او معرفی کنم و از آن میان چند نفر را خودم انتخاب کنم و زندگیتانم آنها را برایش فرستم.

او وقتی دید انجام خواسته کوچکش بیش از شش ماه طول کشید، تعجب کرد و مرا متهم به فراموشی و کم‌کاری کرد و من نمی‌توانستم به او بگویم که تمام آن مدت را صرف این کار کرده بودم ولی حاصلی نوده بودم. از زبان معاصر فه‌رستی را تهیه کردم ولی درخ از یک زندگیتانم بهتر. این وضعیت دربارهٔ زنانی که در پی برده تاریخ آمده بودند وفته بودند بدر آن بد بود.

به نرای او بلکه برای خودم به دل‌تال عن این مسأله بودم که چرا منابع اطلاعاتی ما درباره زندگیمان زن ایرانی محدود است. البته نه اینکه در فهرست قست منابع زیادی در اختیار داشته باشیم ولی این اکسیود در زمینه مورد مطالعه و تحقیقاری من به نبوده تبدیل شده بود.

ساده‌ترین و در دسترس‌ترین سایه‌شنین بودن زنان بود و نگاه مردانه به تاریخ و اجتماعی که تا همین زمان نیز تداوم دارد، ولی این پاسخ اصلی نبود.

پاسخ ب‌ریشه در لایه‌هایی از رفتارها و هنجارهای ما دارد که همیشه سعی در پنهان‌نگاهی داشتند داریم و آن سهل‌انگاری، تنبلی و انکار به حافلهٔ شکوه است.

این خصایض رفتاری کمترین نمودش همین مشکل نداشتن اطلاعات و آماز از بخش‌های مختلف جامعه است.

اطلاعاتی که بخشی از آن می‌تواند در قالب زندگیتانم‌های دقیق و خوب تجلی یابد. زندگیتانم‌نویسی بخصوص در مورد دانشمندان در ایران جدی گرفته نمی‌شود و همین امر باعث شده حتی همین برده‌ای از ایهام در مقابل دیدگان نسل‌های بعد و جوان وجود داشته باشد و در بهترین حالت باعث به‌وجود آمدن افسانه‌ها و اسطوره‌های بی‌نتیان و عجیب شود.

نوشتن زندگیتانم‌های علمی، در مورد همهٔ نخبگان جامعه ما کاری است فراموش شده و اگر کاری هم ارائه می‌شود دانشمندان در رده‌های پایین اهمیت قرار می‌گیرند و این میان زنان دانشمند که دیگری اصلاً به حساب نمی‌آیند.

در این حالت است که نگاه‌ها همه به آن سوی مرزها معطوف می‌شود و ادواکنهٔ کسانی می‌شوند که شرایط جامعه و زندگی‌شان فرستگار ما یا فاصله دارد.

آیا می‌دانید همین امروز در تمام کشورهای دنیا در عرصه علم و

دانش فعالیت می‌کنند که از اعتباری جهانی برخوردارند و بسیاری حتی اسم آنها را شنیده‌اند؟ آیا می‌دانید که آنها در همین فرهنگ و همین جامعه با تمام مشکلاتش زنده کرده‌اند و به جایی رسیده‌اند که مردان زیادی حسرت آن را دارند؟

توجه به زندگی آنها و انتشار آن به دور از بدبینی‌ها و کم‌بینی‌ها یا بلندکس اسطوره‌سازی‌ها می‌تواند کمک بزرگی به اشاعه علم و دانش در بین مردم باشد. چیزی که آن مسافر خارجی دید و تعجب کرد واقعاً وجود دارد و باید به آن اهمیت داد و این یعنی آبروی ما و جوامع ما.

<b>کتابخانه‌های تخصصی</b>
<div><div><span><span></span></span></div><div><div>آزاده سیدین</div></div></div>

# مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

منابع اطلاعاتی مورد نظر باحتی جست‌وجو می‌شوند.

همچنین با این توصیف این کتابخانه دارای حدود ۴۰۰۰ عنوان کتاب فارسی، ۱۰۰۰ عنوان کتاب لاتین، ۳۳ هزار مقاله دربارهٔ زنان، کتاب‌های مرجع عمومی و اختصاصی شامل دائرةالمعارف،ها، dictionary، لغتنامه‌ها، اپرانشناسی، گزارشات تحقیقاتی، کانال‌ها، پایان‌نامه‌ها و نشریات در موضوع‌های نامبرده است.

منابع نامبرده در کتابخانه شامل اطلاعات ثابت و اطلاعات پویاست که توسط کارگزاران این مرکز تهیه می‌شود. با این توضیح که اطلاعات ثابت شامل کتابهای با موضوع مسائل مرتبط با مدیریت، بهداشت، خانواده، اجتماعی، خانواره و مسائل آن، حقوق زنان و غیره را شامل می‌شود ولی که عمدتاً است امروزه عصر اطلاعات است و علوم هرروز تخصصی‌تر می‌شوند،می‌افزاید. ما توجه به آنکه کارشناسان این مرکز به عنوان مشاوران رجویی در حوزهٔ زنان تازیمه منابع در این باره دارند. این کتابخانه با هدف اشاعه و به روز کردن اطلاعات مرتبط باموزن زنان تشکیل شد.

همچنین پس از گسترده‌شدن حوزه‌های مختلف، یک مرکز اطلاع‌رسانی ارضایی به‌وجود آمد که کلیه مدارک شامل پایان‌نامه‌ها، طرح‌های تحقیقاتی، گزارشات دولتی، مقالات حوزهٔ زنان و خانواده‌هااز کلیه نقاط کشور جمع آوری و نمایه‌سازی کرد که با استفاده از سیستم‌های الکترونیکی قابل دسترسی هستند.

بشری در توضیح بیشتر امکان دسترسی مراجعه‌کنندگان به منابع مورد نظر می‌گوید: تعداد قابل ملاحظه‌ای از این پایان‌نامه‌ها و گزارشات، چکیده‌نویسی و نمایه‌سازی شده‌اند که بر روی اینترنت مرکز اطلاع‌رسانی ذخیره هستند.

کتاب‌ها که با علاقت‌های اختصاصی رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست. بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست. بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.

بشری در این باره می‌گوید: مشخصات کلیه کتاب‌ها که با رده‌بندی کنگره ملی آمریکا (L.C) سازماندهی شده‌اند در کارت‌ها و کابینوثرهای کتابخانه ثبت شده‌اند. معزن کتابخانه باز است و رده‌بندی کتابخانه‌ای، چیده شده‌اند،موضوع آنها مشخص نیست.



مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی زنان

مشاوره امور زنان، محققان پژوهشگران حوزه زنان در آسفة تهران

شرایط عضویت در این مرکز اطلاع‌رسانی ارائه ۲ هفته عکس، ۱ برگ کپی شناسنامه، معرفی‌نامه از محل تحصیل کار و پرداخت ۲۰۰ تومان به کتابخانه است و به مدت یک سال می‌توان از منابع اطلاعاتی موجود در آن آسفة کرد. با این توضیح که از منابع علمی مورد نظر کپی برداری می‌شود.

کفتی است طبق گفته‌های مسؤول کتابخانه متخصصان اطلاعات می‌توانند منابع علمی مورد نظرشان را از بانک اطلاعاتی موجود در کتابخانه CDROMهای تهیه شامل Fulltext مقالات و نشریات داخلی وبسایتپیش‌بینی بانک‌های اطلاعاتی سراسری بانک‌های مشاوران کتابدار در این مجموعه تهیه کنند.

خدمات مشاوره نیز در مرکز اطلاع‌رسانی فوق‌العاده است. حتی با ارسال email به نشانی WWW.Libray women.orgمآدای از اطلاعات مورد نظر متقاضیان تأمین می‌شود.

بشری در این باره می‌گوید: معمولاً جست‌وجو‌ها با استفاده از موتور کاواگر گوگل انجام می‌شوند.گاهی به‌مدت زمان یک تا دو روز اطلاعات درخواست‌شده به‌صورت پرینت (Print) و در صورت فراوانی تعداد صفحات به‌صورت ذخیره روی فایل‌ها به فرم مراجعه‌کننده ارائه می‌شوند.

وی نهایتاً می‌افزاید: بانک‌های اطلاعاتی fineed article.com شامل مقالات تخصصی در حوزه‌های مختلف و uro.com شامل پایان‌نامه‌ها هستند که برای جست‌وجوی اطلاعات درخواست‌شده، آنها مراجعه کرده‌اند. بشری همچنین از کتابخانه تخصصی امور زنان این مرکز اطلاع‌رسانی رونق می‌دهد، می‌گوید: ارتباط با کتابخانه‌های داخل کشور یا شرکت در طرح امن صرفاً از ارائه اطلاعات به آنها توسط این کتابخانه است. نه تهیه منابع علمی جدید. بنابراین سعی می‌شود که منابع مورد نظر از فروشگاه‌ها و نمایندگانی بین‌المللی کتاب در ایران و یا بانک‌های اطلاعاتی کشورهای دیگر تهیه شود.

گفته می‌شود که اکثر گفته‌های این کتابخانه در خیابان شهید افشاری قرار دارد. بین خیابان‌های ابوحنوف و دانشگاه، وسایط ۳۸ در مرکز مشاوره امور زنان واقع شده که با کتابداران این مجموعه می‌توان با شمارهٔ تلفن‌های ۰۷۵-۶۲۰۲۰۷۵ یا ۲۶۲۰۲۶۲۰۶۲ تماس گرفت.

<b>راسته مک لوهان</b>
<div><div><span><span></span></span></div><div><div>ابراهیم خندان</div></div></div>

## اینترنت و زنان نویل

وقتی دانشم نتم‌هایی را که در توصیف کتاب‌ها از زنان منتقدان نوشته شده بودیم خواندم، از همان‌جا برای مقاله‌های بیشتر به چند مرکز راهنمایی‌شده این راهنمایی‌شده یک شبکه اطلاعاتی با به دست یابودم که حتی فکر آن هم از مجله‌ام عبور نمی‌کرد.

سخن را کوتاه می‌کنم و برای اثبات ادعا می‌چند پایگاه اطلاعاتی از دهها عنوان پایگاه را به شما هم معرفی می‌کنم. مطمئن باشید که از دیدن آنها هم شگفت‌زده خواهید شد. و هم چیزهای زیادی یاد خواهید گرفت.
۱)بهار هزارسال زنان در طلعه به آدرس **www.ASTR.EJ.UEDU**
۲)کشمال اطلاعات زنان دانشمند در سرسره جهان در طی ۲۰۰۰سال **www**.

۳)بخشی را هم به معرفی کتاب‌ها و مجلات در این زمینه اختصاص داده است.

۴)تیم زنان ریاضیدان با آدرس **www.AWM-MATH** که نشان

و محتوایش واقعاً متمایز است.

۵)آرشیو زنان فعال در علم و فناوری با آدرس **www.USTATE.EDU/SPLWIS** که بخشی کتابخانه‌اش واقعاً معدنی است.

## درگذشتگان

دکتر علی فاضل ساعت ۱۳۳۰ دقیقه سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۸۲ پس از یک دوره بیماری طاقت فرسا در تهران درگذشت.
دکتر فاضل سال ۱۳۰۴ در مشهد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشسرای عالی را در آن شهر گذراند و همزمان در ترم پوز داکتریش که از علمای بنام مشهد بود، زبان ادبیات عربی را آموخت.
دکتر فاضل چندی دبیر عربی دبیرستان های مشهد بود و سپس در در رشته حقوق و ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد. اما چون نایاب بود که یکی از این دو رشته را برگزینی، با علاقه به ادبیات روی آورد و تا مقطع دکتری ادبیات را سپری کرد و پایان نامه دکتری ادبیات خود را زیر نظر صالح ازماز فرزانفر نوشت.
دکتر فاضل پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، به مدیریت گروه ادبیات دانشگاه ادبیات و علوم اسلامی دانشگاه ملی گنجدهد شد و سال‌ها لقرون بر تدریس این مسؤلیت را بر عهده داشت.
دکتر فاضل سال‌های از عمرش را نیز با سمت

## فاضل فرهنگ ایران رفت



سال ۱۳۷۳ به وسیله وزارت و زارت فرهنگ، معاونت وزارت فرهنگ در دوران وزارت دکتر پرویز نائل خانلری، و معاونت بنیاد فرهنگ

و توجیح آس الثانی نوشته احمد جام ازنده پیله (این اثر را دکتر فاضل دیوار چاپ کرد یک بار به وسیله بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۰ که کتاب سال شد و بار دیگر باضافات و بازنگری در سال ۱۳۶۸ با سرمایه نوس.
چاپ آنکه در سال ۱۳۹۶ ویرایش دوم این اثر نیز به عنوان کتاب سال اعلام شد. اما دکتر فاضل عبادات این جایزه‌ها را به ایجاد مسئولی کنگ که به دانشجویان نیازمند در مشهد اختصاص داد)
صحیح، جنبه نگاری، مقاله پنج نسخه مفتاح النجاه تصفیح احمد جام نامی دیگر اثر دکتر فاضل است که در

**به انگیزه درگذشت استاد زنده‌یاد دکتر عنایت‌الله شهبیدی**

## پیر تعزیه پژوهی



پس از نزدیک به ۶ دهه دست و پنجه نرم کردن با زندگی، مرگ یکی از نام‌آورترین جبهه‌های

تعزیه‌شناسی ایران را با خود برد.
دکتر شهبیدی مقاله شهبیدی، «مطرف غریب آنکه در میان جبهه‌های دانشگاهی این حوزه نبود، اما درک و دریافت عیشش از تعزیه و تجربه خوانی و نگاه ژرفش به تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی تعزیه به اندازه‌ای بود که وی را در یک‌دهه گذشته به عنوان شاخص‌ترین تعزیه‌شناس

به جامعه پژوهشی کشور شناساند.
پژوهشی وی درباره تعزیه که حاصل ۸ سال کار مداوم و شش‌هفت‌روزیش بود که تدوین علمی آن را نیز دکتر علی بلوکشی صورت داد، به عنوان کتاب پژوهشی سال، جایزه نخست

را از آن خود کرد و از سوی دیگر کتاب برگزیده یونسکو در حوزه مطالعات فرهنگی، شناخته شد.
استاد در ماه‌های اخیر و به دلیل سخته‌ای، دچار ضربه مغزی شد و بطرفم جایگاه ریاضت در پژوهش و به جهت توان اقتصادی‌الدک توانست از این بیماری مهلک رهایی یابد.
زندگی ماه‌های پایانی زنده‌یاد شهبیدی یادآور آن مثال معروف است که تقریباً در همه عصرها و قدر علم به مال چیز آنکه وی بطرفم حاکم، معوی و فکری در تنگ مصیبت و ناداری از این میسرستان به میسرستان دیگر حمله‌دهد می‌شد.
شاید اینکه در نهایت بعد از ظهر جمعه (۱۷ مرداد و هیولان بازو چترنگار) رفت و از بار بانی گشتید کتاب هفت‌ه در شماره ۲۸ روزپوز پرویز ۱۳۸۱ (بخش ویژه‌نامه علمانو) گشتند تگزوی مصطفی با این نام داده است که هم‌اکنون آن را به علاقه‌مندان توصیه می‌کنیم.

## سفر ادبی باباصفیری پدر تاریخ اردبیل

زنده‌یاد باباصفیری در سال ۱۳۹۹ خورشیدی در شهر اردبیل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و دوره اول دبیرستان را در زادگاه خود و دوره دوم متوسطه را در تبریز گذراند. رشته فلسفی را در دانشگاه حقوق و فلسفه و روزشناسی و تعلیم تربیت را در دانشسرای عالی تهران گذراند. همچنین دوره فوق لیسانس علوم اداری را در شعبه دانشگاه کالیفرنیا در دانشگاه تهران طی کرد.
زنده‌یاد باباصفیری در دیهشت ۱۳۵۷ به نقضای خود از خدمات دولتی کناره گرفت و از سال ۱۳۶۴ در کشور سوئد اقامت گردید و سرانجام بمبادودشته ۸۲۳۲۳ در دبیرستان سنت پیوران اسکندلم چشم از جهان فروست و بنایه وصیت پیگرش پس از انتقال به ایران، در زادگاهش اردبیل با حضور مردم و مقامات به خاک سپرده شد.
تألیفات مرحوم صفری عبارت است از: ۱۶-جلد کتاب تاریخ و جغرافیا و علوم اجتماعی برای تدریس در دبیرستان‌ها تهران.

## مدرس پیشکسوت مددکاری کشور رخ در نقاب خاک کشید

پژوهشگر و مدرس پیشکسوت اجتماعی کشور پس از ۲۹ سال تدریس و پژوهش در حوزهٔ آسیب‌شناسی اجتماعی و تبیین پایه‌های رشتهٔ مددکاری پای از دنیای خاکی برگرفت.
علی اصغر یاکدل، سلسطانی از سال ۱۳۳۳ به عنوان معاون آموزشی پژوهشی دانشگاه خدمات اجتماعی، رئیس دانشگاه خدمات اجتماعی سازمان زان، مدرس دانشگاه‌های تهران و سازمان بهزیستی در حوزهٔ مددکاری فعالیت کرد و آثار نوشتاری چندی بر جای گذاشت.

فقدان رحلت عالم عالم حضرت آقای علامه

گرمسجیان مدرس و محقق راقدقدر موجب تألم و تأثر شد این ضایعه را به خانواده آن مرحوم، شاکریان، علاقه‌مندان و جامعه فرهنگی کشور تسلیت می‌گوییم کتاب خفته

جناب آقای محمدجواد یوسفیان

درگذشت پدر گرامی‌تان را به جناب‌عالی و بستگان محترم تسلیت می‌گوییم بقیای عمر شما و خانواده محترم را آرزومندیم.
کتاب خفته

## چهاردها و نسیاها

## امینه پاکروان

امینه پاکروان، در سال ۱۸۹۳ میلادی در خانواده‌ای متمول و سیاستمدار در پاریس به دنیا آمد. پدر او یک ایرانی به نام حسن خان مادرش آلیس. آن هرشتلدل ارتش‌تبار و ادیب بود. حسن خان سال‌ها سفیر ایران در کشور عثمانی بود. در نوجوانی، امینه راهی استانبول شد و در این شهر با مردی مسلمان و سیاسی ازدواج کرد. امینه در نخستین سال‌های ازدواج به دلیل مشغله همسرش چندی در کشورهای مصر، اتریش، فرانسه، آلمان، ایران و... زندگی کرد و بعدها به خاطر تحصیل روزندانش مدتی در بولگ و فرانسه مقیم شد. امینه پاکروان در جوانی علاقه به ادبیات و نوشتن را در خود کشف کرد و شروع به نوشتن مقاله کرد و بنام مستعار «ایران دخت» آنها را در نشریات به دست چاپ می‌سپرد.

امینه پاکروان پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه و درگذشت همسرش، مجدداً ازدواج کرد و به همراه دو فرزندش راهی ایران شد و در دانشگاه تهران، ادبیات فرانسه و تاریخ هنر را تدریس می‌کرد. «شاهزاده گمنام اولین کتاب تحقیقی-داستانی او با عنوان «امیرسی تاریخ» در سال ۱۹۲۲ به زبان فرانسوی در پاریس منتشر شد و با استقبال گسترده روبه‌رو گردید و برنده یکی از جوایز تحقیقاتی شد. «شاهزاده گمنام» در دهه هفتاد در ایران ترجمه، چاپ و منتشر شد و گویا ترجمه دیگری نیز از آن به بازار آمد. «بازتاب چاپ اولین کتاب او شور و شیوایی در او برانگیخت چنان که بعد از مدتی آثار تاریخی دیگری را نیز که از رویدادهای قرن نوزدهم الهام می‌گرفت، تألیف کرد و به دست چاپ رسید. کتاب «افزودن، پایتخت از یاد رفته» و «مقدرات ایرانی» دوران قدیم» و «نسل پنهان از جمله آثار است که احتمالاً هرگز به زبان فارسی در ایران منتشر نشده‌اند. اما کتاب «عیاس میرزا» و «آغا محمدخان قاجاره از او در ایران ترجمه و بارها تجدید چاپ شده است که آخرین چاپ آن توسط نشر جامی منتشر شده بود. امینه پاکروان علاوه بر فعالیت علمی در شناساندن هنر مینیاتور ایرانی به کشورهای اروپایی تلاش فراوان داشت و با سفر به کشورهای مختلف بر گزار می‌کرد. کنفرانس‌های گوناگون نقش زبان‌های آلمانی، فرانسوی و انگلیسی تسلط کامل داشت. امینه پاکروان در سال ۱۹۵۸ در علت بیماری سرطان درگذشت و آنا را ش نهنها در ایران که در اغلب کشورهای جهان هنوز خوانندگان بسیار دارد.

**صاحب امتیاز:**

خانه کتاب ایران

**مدیر مسؤول:** احمد مسجد جامعی

**سرمدیر:** علی اصغر رمضانپور

**امور فنی:** کلیاگرافیک

**لیتوگرافی و چاپ:** ایرانتیپ

**نشانی:** خیابان قائم مقام فرحانی

اول فجر (چیم)، شماره ۹، طبقه دوم

**صلوح پستی:** ۱۳۱۴۵، ۳۱۲

**تلفن:** ۸۸۹۰۹۹۹، ۸۳۱۸۵۶۲

**نشانی اینترنتی:**

http://www.ketabehafte.com

## پدیدآوردگان



**لی لاسان کار**؛ **مترجم**

کتاب تازه‌ای که ترجمه کرده‌ام کتابی است به اسم «روزیای خرد» که تاریخ فلسفه است از یونان باستان تا عصر رنسانس. نویسنده این کتاب آنتونی گاتلپ است. من ندیدم از این نویسنده در ایران کتابی ترجمه و منتشر شده باشد. این کتاب تاریخ فلسفه است، از پیش از افلاطون. می‌داند آن زمان فلسفه شامل علوم بود. علم، یعنی حکمتی بود که همه چیز را دربر می‌گرفت. هیئت و نجوم و علم و... همه در رد فلسفه جا می‌گرفتند و سیر فلسفه است. البته با نگاه خیلی جدید، گاتلپ قبلاً سرحدی اگر نویسیمت بوده و تحصیل کرده بیوزنیستی کالج اگسفورده است و مدت ده سال هم روی این کتاب کار کرده است. کتاب هم غربیاً حجیم است.

می‌خوادم یک سال وقت برای ترجمه این کتاب گذاشتم ولی همرو با ناشی وارد مذاکره نشدم.ام این ترجمه حرفه‌یی شده و آمده است. ترجمه فارسی «روزیای خرد» حدود ۷۵۰ صفحه شده است و «لان آماده برای رفتن به چاپخانه است. غیر از این ترجمه یکی - دو کتاب به پیشنهاد داده‌اند و هنوز در حال مطالعهٔ برای انتخاب یکی از کتاب‌ها هستم تا ترجمه‌اش را شروع کنم.

پایان‌نامه دکتری من یک کار عمیق و گسترده بودکه حدود دو سال نیم زمان برد. منتها در این پایان‌نامه دیدگاههای مدرن از نشانه‌شناسی و ادوارد پائو که دومی هم به صورت نظری هم کاربردی روی اشعار سبک هنئی کار کردم. آن تعریف‌هایی که تا به حال دربارهٔ نماد انجام شده بود، بر اساس آن دسته‌بندی‌ها، خودم در حین تحقیق به دسته‌بندی‌های جدید رسیدم. در واقع این پژوهشی یک انگو می‌تواند باشد برای حل کل سأسه‌ای به نام نماد که در نقد هرمنوتیک خیلی مهم است.

یک گوشه از این تحقیق، مربوط می‌شود به کلیات دیوان بدلی دهلوی. همان‌طور که می‌دانید، راجع به دهلوی خیلی کم صحبت شده است. شعرش هم در ایران شرح و تفسیر نشده بود. واقعیت این است که من وقتی روی دیوان بدیل کار کردم به دیدگاههای دربارهٔ بدیل رسیدم که به اعتقاد من حق این شاعر و شعرش تا به امروز ادا نشده است و دینی به کردن ما دارد. تصمیم دارم این کتاب را راجع به بدیل چاپ کنم. پایان‌نامه دکتری من

### ناتالی چوبینه: مترجم

کتابی به نام «فان‌المعارف موسیقی» است

که من بخش کلاسیک آن را نوشته‌ام. کتاب‌های دیگری هم که در دستم دارم یکی اسرگلدشت خنواده واگنر است و یک نمایشنامه از دورنمات زیر چاپ دارم.

کتاب اسرگلدشت خانواده واگنر «از یکی از نوادگان واگنر است به اسم نیکه واگنر. این کتاب دوبخش دارد.بخش اول نضیر آثار واگنر و بخشی دوم سرگلدشت کل خانواده واگنر است. یعنی از واگنر بزرگ تا جدبختترین نسل این خنواده را نویسنده روایت می‌کند. برای چاپ این کتاب دیگر از نمایشنامه‌ها است که از فیدریش دورنمات نوشته و حدود دوام بعد از مرگش هم چاپ شده بود. اسم این نمایشنامه «میداس» است و موضوع نمایش هم وصیت‌نامه هنری خود دورنمات است. ناشر این کتاب نشر تجربه خواهد بود.

### روایت اول شخص

### شیرین عبادی: نویسنده و حقوقدان



بعد از چاپ کتاب «حقوق ادبی و هنری» دو عنوان کتاب دیگر هم چاپ و منتشر کرده‌ام. یکی «امت و تمدن در حقوق ایران» است که با همکاری آقای دکتر محمد شیرمان نوشته‌م و گنج دانش هم ناشرش بود. کتاب دیگر «حقوق زن در جمهوری اسلامی» است که این کتاب راهم گنج دانش منتشر کرده. البته این کتاب را در منطق کارشناسی از شد دانشگاه علامه طباطبائی تدریس می‌کنم. در این کتاب دقیقاً تمام تالیفی حقوق یک زن در جمهوری اسلامی را با قوانین شرح داده‌ام. یعنی وضعیت حقوقی زنان را در ایران بر اساس قوانین توضیح داده‌ام. به روایت دیگر حقوق زنان زان را به آنها گوشه‌زده کرده‌ام.

کتاب تازه‌ای از من در تروژطی همین هفته از چاپ بیرون آمد. این کتاب را با کتک سه استاد دیگر نوشته‌م که یکی نروژی و یکی عراقی است و

### کاتیون مزداپویر: مترجم

کتاب «گله ویس» را آماده کرده‌ام که هنوز از سوی نشر اساطیر منتشر نشده است. به طور کلی این کتاب راجع به ادبیات ایرانی است که چنگیز به زن نگاه می‌شده است. و گاهی که از زن سر می‌زند چه برخوردی داشته. برای تحلیل این موضوع «ماتلاهایی از خود نویس و رمان» شاهنامه و «خسرو و شیرین» دیگر آثار کلاسیک اثر دادم. در این تحقیق به ادبیات معاصر نداشتنم. آخرین اثری که به زمان ما نزدیکتر است، امراسیلان بود که در این بررسی آن‌را هم مورد توجه قرار دادم. منابع مورد تحقیق بیشتر ادبیات کلاسیک فارسی است و به دوران ناصرالدین شاه که می‌رسد بحث حرمانر و این دوره چیرها هم مطرح شده است. اما بیشتر نگاه من به ادبیات قدیم فارسی است و این کتاب خسرو و شیرین، گنجوی، بابک احمدی و مهلیون «خواجهی گرمی، مخصوص خسرو و شیرین را در نظر داشتیم. به طور مختصر و موجز در این کتاب به چندین نابخشی رسیدم که همان مسائل کلی و عمومی در مورد زن در ادبیات هم یک نوع کهنی زن و یک نوع نگاه نظریار است. به زن دیده می‌شود. منتها در نوشته‌ها که اغلب داستان‌های قدیمی هستند و در ادبیات دویزی، یک حالت معزوله‌تر به زن نگاه می‌کنند و کمتر در زن ایجاد میشو و یک نوع فرامورداری نسبت به مرد پیدا کنند. موضوع تازه این کتاب این است که من فکر می‌کنم کسی در ادبیات فارسی از این منظر به موضوع زن نگاه نکرده است. اما در زمینه ادبیات معاصر چنین تحقیقی کرده‌اند که من نمی‌دانم چه کسانی انجام داده‌اند. بکنه آقای سناری بود.

کتاب دیگری هم دارم که مجموعه‌ای از مقالات است و پدید آماده‌کنم و تحویل نشر اساطیر بدم. این مجموعه با عنوان «دل آنگ سرخ» و عنوان فرعی‌اش «چهارده مقاله دیگر دربارهٔ اساطیر» است. این مقالات عمدتاً در زمینه اسطوره و اسطوره‌شناسی است. این کتاب حرفه‌یی شده و الان با غلطگیری شוד.

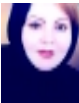
### پروین سلاجقه: منتقد



یک کار بزرگ شد که «فرهنگ نامدهای سبک هندی» است. این را در دو بخش و در دو کتاب قرار است چاپ کنیم. یکی «فرهنگ نامدها» و یک کتاب هم به اسم «تحلیل نامدها». تحلیل نامدها یک کتاب دوست - سیصد صفحه‌ای می‌شود که من در دیدگاههایی که پیرامون نماد پیدا کرده‌م به صورت تحلیلی ارائه می‌کنم.

غیر از این هم در کتاب «تئوری کاربردی» دارم می‌نویسم. یکی برای انتشارات موزاید است به اسم «امانی نقد شعر» که روی شعر معاصر تنبیه دارد که هم تئوری کاربردی است و یکی هم نقد و بررسی شاعران معاصر» است که به صورت یک مجموعه در چند بند هم جلد به یک شاعر اختصاص دارد. شماره یک نیمه، شماره ۲ شاملو، به ترتیب فروغ هست....

### منیژه یلنگ پوش (تکار – نگارین): شاعر

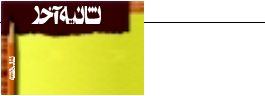


منیژه یلنگ‌پوش هشتم با تخلص «انگار» نگارین» متولد اسفند ۱۳۳۰ قمریان، از شهرهای استان خراسان. از دوران دبیرستان شعر می‌سرودم و در روزنامه‌ها چاپ می‌شد. از استء سابق نامء عرفانی است.

۱- کتاب «صدای ساز من از دیپهشتی است» هفت دستگاه موسیقی ایرانی ردیف سازی و آوازی و معرفی چهره‌های موسیقی ایرانی به شعر سروده شده است.

۲- کتاب «معنی بی ات آتش طوره شده»

مخزن نامه -نیم کلاسزهای ایرانی و فرهنگی و



#### ◆ نقد و تقدیر

«مقالات نقد و تقدیر» از رولان بارت با ترجمه شیرین دخت قیقیان از سوی نشر هرس چاپ و منتشر شده‌اند. قیقیان پیش از این نیز آثاری از بارت ترجمه و منتشر کرده بود.

#### ◆ بسن های اوستا

«بسن های اوستا و زند آن‌ها» که به فصل‌های ۷۰، ۷۱ و ۷۲ اختصاصی دارد کتابی است که با آوالیوسی، بزرگان فارسی، واژه‌نامه و یادداشت‌های سوزان گویری از سوی نشر ققنوس زیر چاپ رفت و در آینده‌ای نزدیک به بازار خواهد آمد.

#### ◆ خرده‌گویش‌ها

«پژوهشی دربارهٔ خرده‌گویش‌های منطقه قصرابه» تألیف کیسی دیپیم را انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دست چاپ دارد.

#### ◆ شب‌های بی‌خوابی

«شب‌های بی‌خوابی» نام اثری از لوکینو ویسکونتی است که ماهدخت عقیقی ترجمه کرده و آتش زیر خاکستر» از لویوی مال را شراره یوسفی. این دو کتاب از مجموعه «سینما- قلم» است که نشر قفطه در دست انتشار دارد.

#### ◆ فرهنگ مدرسه

کتاب فرهنگ معاصر سلسلهٔ فرهنگ‌هایی را در برنامه خودنحت عنوان «فرهنگ معاصر مدرسه» دارد که «فرهنگ معاصر مدرسه - آلمانی - فارسی» به قلم ترکیس انتخایی را به شکل معصوم و رنگی منتشر خواهد کرد. این مجموعه می‌تواند تحولی در آموزش زبان در مدارس کشور ایجاد کند.

#### ◆ تاریخ

کتاب «افغانستان از الزلول و کربوا» کتاب «عربستان سعودی» از ویلیام گریمون و کتاب «هنده و پاکستان» از همین نویسنده، چهار عنوان کتاب در زمینه تاریخ کشورهایت که بایرگردان فاطمه شاداب از سوی نشر ققنوس چاپ و منتشر خواهد شد.

#### ◆ نمایشنامه کرول اوتس

«قرن کلاستر» نمایشنامه‌ای از جوئیس کرول اوتس است که با ترجمه کاتیون حسین زاده از سوی نشر نیلا منتشر می‌شود. همین ناشر ترجمه «مردی در یک موقت» از جان پاتریک را قلم‌بر همین مترجم در دست انتشار دارد.

#### ◆ خوشی‌ها

«خوشی‌های دوران سخت» با مثبت‌اندیشی اثری از دوید ویسکات با ترجمه فرشته نایی از انتشارات نرخت هفته دیگر به بازار می‌آید.

#### ◆ فعالیت علمی

«فعالیت علمی برای اوقات فراغت» اثری از ژیل پروین است که با ترجمه مهتاز عسگری توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر خواهد شد. همین ناشر نمایشنامه «لب عابر پیاده» و «دیوارهای شهر» نوشته مرقیبه ازگلی را در دست انتشار دارد.

#### ◆ تئوری و زندگی‌اش

«ایرانیان آسوری و کلدانی» عنوان پژوهشی نوشته ژانست صلیبی است که دفتر پژوهش‌های فرهنگی در میان سلسله کتاب‌های «از ایران چه می‌دانم؟» به دست چاپ خواهد سپرد.

#### ◆ زن در حلقهٔ تعبیر

نشر افلاک در خرم‌آباد کتاب «زن در حلقهٔ تعبیر» اثر فرغ رمضانی را انتشار داد. این کتاب شامل مجموعه‌ای از داستان کوتاه، مقاله، گزارش و گفت‌وگو پیرامون مسائل و مشکلات زنان در استان لرستان است.

#### ◆ آستان آبی تر

«این قفس از آسمان آبی تراست» مجموعه شعری از فرشته منهگار است که انتشارات افهام در دزفول آن را راهی بازار خواهد کرد.

#### ◆ گزیدهٔ منون

«گزیدهٔ منون آثار فارسی» به اهتمام حمیرا ازمرزی از سوی انتشارات زوگر طی هفته آینده به بازار خواهد آمد.

#### ◆ آثار آینه‌ها

«آلآر آینه‌ها» اثری از ژان ژانت است به همراه چند مصاحبه و نقد آثارش با قلم نازنین ملکان ترجمه شده و از سوی مؤسسه نشر و پژوهش فادار بزودی منتشر خواهد شد.

#### ◆ کتاب اسکندر

کتاب «اسکندر» اثر والریو ماسیمو مالفردی در سه جلد، که جلد اول با عنوان «فرزند زویاو جلد دوم با عنوان «خش‌های آون» و جلد سوم «آخر دنیا» با ترجمه صتم غیانی از سوی نشر ققنوس چاپ و منتشر خواهد شد.